

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام عدد (۱۷)

پاسخ قطعی به منکران

فرزندان امام مهدی علیه السلام

نویسنده: شیخ ناظم عقیلی

چاپ اول

۱۴۳۵ هـ.ق - ۲۰۱۴ م

بهمن ماه سال ۱۳۹۲ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن عليه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://almahdyoon.co/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ قطعی به منکران فرزندان امام مهدی علیه السلام ۵

اهداء:

به ذریه‌ی امام مهدی و سلاله‌ی ائمه اطهار...

به دوازده مهدی مقرب... به اول مهدیین، خلیفه و وصی امام مهدی...

به احمد... به محمد... به مهدی...

به نرمینه‌سازان دولت الهی... این تلاش اندک مرا متواضعانه تقدیم می‌کنم، در

حالی که امر خداوند مسئلت دارم که آن مرا اخلاصی امر برای وجه خویش قرار دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما

مقدمه:

همانا گزافه و یاوه‌گویی جاهلان در نفی وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) فرونی یافته است، و نمی‌دانم دلیل دفاعشان از این نفی چیست و خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾، (بگو اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید).^(۱) پس ازدواج و ذریه از جمله سنت‌های الهی در خلق و از اخلاق انبیاء و مرسلین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) می‌باشد. و خداوند سبحان و رسولش (صلی الله علیه و آله) بر استحباب آن تأکید بسیاری دارند. پس آیا کسانی که ازدواج و ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) را نفی می‌کنند، به تطبیق شریعت از سوی امام مهدی (علیه السلام) سزاوارتر هستند؟! جایی که آن را بر امام مهدی (علیه السلام) محروم ساخته و برای خود و بقیه‌ی مردم جایز می‌دانند؟! علاوه بر آن، هیچ متن صریحی وجود ندارد که بر نفی ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) دلالت کند بلکه بر عکس، آن امری صحیح می‌باشد. روایات بسیاری از وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) خبر می‌دهند: ﴿فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾، (شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید).^(۲) احتمال می‌رود که سبب نفی ذریه از برای امام مهدی (علیه السلام) به دو دلیل باشد:

اول: جهل و نادانی، و این جاهلان هیچ هم و غمی ندارند جز در تکذیب هر چیزی که بدان جهل داشته‌اند، و این همان جهل مرکب می‌باشد، جایی که آنان هیچ نمی‌دانند و ادعاء می‌کنند که بر علم و آگاهی بر سیرت اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشند.

و خداوند می‌فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾، (بلکه چیزی را دروغ شمرده‌اند که به علم آن احاطه

۱. البقرة: ۱۱۱.

۲. یونس: ۳۵.

نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است کسانی [هم] که پیش از آنان بودند همین گونه پیامبران را [تکذیب کردند پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است].^(۳)

دوم: کسانی که ازدواج و ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) را نفی می‌کنند، در اصل؛ به وجود و زندگی امام مهدی (علیه السلام) شک و شبهه دارند، این که زنده است و از خلال این سال‌های طولانی روزی می‌گیرد.

و خداوند می‌فرماید: ﴿فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾، (انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آن‌ها فاسق بودند).^(۴) در تفسیر اهل بیت (علیهم السلام) برای این آیه آمده است که مقصود از **الْأَمَدُ**، طولانی شدن غیبت و روزهای آن است.

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾، (و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز این که [با او چیزی را] شریک می‌گیرند).^(۵)

﴿وَأَنْطَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ * مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِثْلَةِ الْآخِرَةِ إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ * أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابِ * أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ﴾، (و بزرگان‌شان روان شدند و گفتند بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعاً هدف ماست * [از طرفی] این [مطلب] را در آیین اخیر [عیسوی هم] نشنیده‌ام این [ادعا] جز دروغ‌بافی نیست * آیا از میان ما قرآن بر او نازل شده است [نه] بلکه آنان در باره قرآن من دو دلند [نه] بلکه هنوز عذاب [مرا] نچشیده‌اند * یا گنجینه‌های رحمت پروردگار ارجمند بسیار بخشنده تو نزد ایشان است).^(۶)

پس اگر به وجود امام مهدی (علیه السلام) و وجودش یقین داشتند، چرا امکان ازدواج و ذریه برای حضرت را نفی می‌کنند، در حالی که ایشان (علیهم السلام) به تطبیق سنت خداوند که از مهم‌ترین

۳. یونس: ۳۹.

۴. الحديد: ۱۶.

۵. یوسف: ۱۰۶.

۶. ص: ۹-۶.

آن، ازدواج و ذریه صالح است، سزاوارتر می‌باشد. و برای برافروختن مشعل و روشن کردن راه برای مردم در باب این موضوع، در نگاشتن این سطرهای متواضعانه برای اثبات ذریه امام مهدی علیه السلام از طریق روایات اهل بیت علیهم السلام و ادعیه ایشان و آراء علمای پیشین در مورد این موضوع، بر خداوند توکل کردم. پس اگر وجود ذریه برای امام مهدی علیه السلام ثابت گردید، اشکالی که بر سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام به سبب انتسابشان به امام مهدی علیه السلام وارد شده، دفع می‌گردد و در نهایت کلام خداوند سبحان بر این جاهلان که ذریه امام مهدی علیه السلام را نفی می‌کنند، منطبق می‌گردد.

و خداوند می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾، (آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید).^(۷)

از خداوند منان مسئلت داریم که این عمل اندک خالصانه را برای وجه خویش قرار دهد و حُسن عاقبت را در نصرت و یاری امام مهدی علیه السلام و شهادت در پیشگاه او را نصیب ما گرداند که او شنوای اجابت کننده است.

والحمد لله رب العالمین

ادله بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام)

میرزا نوری در کتاب النجم الثاقب، دوازده دلیل بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) ذکر کرده که به زودی به ذکر آنها خواهیم پرداخت به اضافه‌ی ادله‌ی دیگری که خداوند توفیق معرفتشان را به ما عطاء کرده است:

دلیل اول:

شیخ نعمانی (شاگرد ثقة الاسلام، کلینی) در کتاب الغیبة و شیخ طوسی در کتاب الغیبة در دو سند معتبر روایت کرده است:

مفضل بن عمر گوید: از ابا عبدالله (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: (إن لصاحب هذا الأمر غیبتین إحداهما تطول حتی یقول بعضهم: مات، ویقول بعضهم: قتل، ویقول بعضهم: ذهب، حتی لا یبقی علی أمره من أصحابه إلا نفر یرسیر لا یطلع علی موضعه أحد من ولده ولا غیره إلا المولی الذي یلی أمره).

(برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آنها به طول می انجامد تا این که بعضی‌ها بگویند: مرده و بعضی‌ها بگویند کشته شده و بعضی‌ها گویند رفت تا این که بر امر (باور) او کسی نماند مگر اندکی از یارانش؛ و بر موضعش کسی مطلع نمی‌شود حتی فرزندان او و غیر آنها، مگر مولایی که امرش بعد از اوست).^(۸)

دلیل دوم:

شیخ طوسی و جماعت با استنادهای متعدد روایت کردند:

یعقوب بن ضراب الإصفهانی قال: (حججت فی سنة إحدى وثمانین ومائتین وکنت مع قوم مخالفین من أهل بلدنا. فلما قدمنا مكة تقدم بعضهم فاکتری لنا داراً فی زقاق بین سوق اللیل، وهي دار خدیجة تسمى دار الرضا (علیه السلام)، وفيها عجوز سمراء فسألتها - لما وقفت علی انها دار الرضا (علیه السلام) - ما تکنونین من أصحاب هذه الدار؟ ولم سمیت دار الرضا؟ فقالت: أنا من موالیهم وهذه دار الرضا علی بن موسی (علیه السلام)، أسکنیها الحسن بن علی (علیه السلام)، وهي کانت واسطة بین

الشیعة وإمام العصر (علیه السلام) - والقصة طويلة - وذكر في آخرها أنه (علیه السلام) أرسل إليها دفترًا وكان مكتوباً فيه صلوات على رسول الله وبقاى الأئمة وعليه "صلوات الله عليه"، وأمره إذا أردت أن تصلي عليهم فصلي عليهم هكذا وهو طويل: (بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد سيد المرسلين، وخاتم النبيين، وحجة رب العالمين، المنتجب في الميثاق، المصطفى في الضلال، المطهر من كل آفة، البريء من كل عيب، المؤمل للنجاة، المرتجى للشفاعة، المفوض إليه دين الله ...) إلى قوله (علیه السلام) اللهم أعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع أهل الدنيا ما تقر به عينه، وتسر به نفسه، وبلغه أفضل أمله في الدنيا والآخرة، إنك على كل شيء قدير (.....) إلى قوله (علیه السلام): اللهم صل على محمد المصطفى، وعلي المرتضى، وفاطمة الزهراء، (و) الحسن الرضا، والحسين المصطفى، وجميع الأوصياء مصايح الدجى، وأعلام الهدى، ومنار التقى، والعروة الوثقى، والحبل المتين، والصراط المستقيم، وصل على وليك وولادة عهده، والأئمة من ولده، ومد في أعمارهم، وأزد في آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم [دينًا]، دنيا وآخرة إنك على كل شيء قدير).

احمد بن على رازى، از ابى حسين محمد بن جعفر اسدى، از حسين بن محمد بن عامر اشعري قمى، از يعقوب بن يوسف ضراب غسانى - در اصفهان - در حديثى طولانى مى گويد: (در سال ۱۸۱ همراه قومى مخالف از سرزمين مان به سوى حج رفتم، هنگامى كه به مكه رسيديم، برخى از آنان برايمان اتاق (خانه‌اى) در كوچه بين بازار شب كرايه گرفتند و آن اتاق (خانه) خديجه (عليها السلام) بود كه به نام خانه‌ى رضا (علیه السلام) گذاشته شده، در آن پير زنى گندم گونه بود، از او پرسيدم: از آن جا كه نام اين خانه، خانه‌ى رضا (علیه السلام) است از اهل بيت اين خانه مى باشى؟ و چرا اين خانه را به خانه‌ى رضا نام گذاشتى؟ گفت: من از دوست داران ايشان هستم و اين خانه‌ى على بن موسى رضا (علیه السلام) است كه حسن بن على (علیه السلام) ايشان به من دادند و اين خانه واسطه‌ى بين شيعه و امام عصر (علیه السلام) بود - داستان طولانى گشت - و در آخر ذكر كرد كه حضرت (علیه السلام) نامه‌اى براى او فرستادند كه در آن نوشته، هر گاه خواستى بر رسول الله و بقيه‌ى ائمه (علیهم السلام) صلوات بفرستى اين گونه بفرست: (بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد سيد المرسلين، وخاتم النبيين، وحجة رب العالمين، المنتجب في الميثاق، المصطفى في الضلال، المطهر من كل آفة، البريء من كل عيب، المؤمل للنجاة، المرتجى للشفاعة، المفوض إليه دين الله ...) تا جائى كه فرمودند): بار خدايا! به او عطا كن [يعنى به امام مهدى (ع)] براى

خودش و فرزندان، و پیروانش و رعیتش و خاصانش و همه ی آنان که فرمانش برند و دشمنانش و همه ی اهل دنیا آنچه که دیدگانش را به آن روشن کنی و دلش را به آن شاد نمایی و او را در دنیا و آخرت به برترین آرزوهایش برسان، به یقین تو بر هر چیز توانایی. (..... تا فرموده ی حضرت (علیه السلام): و بر ولایت [امام مهدی (ع)] و زمامداران پای بند به عهدت که امامان از فرزندان هستند درود فرست، و بر عمرشان بیفزا و به طول حیاتشان فرونی بخش، و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی).

دلیل سوم:

در زیارت خاصی که در روز جمعه خوانده می شود، و سید رضی الدین علی بن طاووس در کتاب (جمال الأسبوع) چنین نقل کرده است: (صلی الله علیک وعلی آل بیتک الطیبین الطاهرین) و در موضع دیگر گوید: (صلوات الله علیک وعلی آل بیتک هذا یوم الجمعة)، و در آخر آن: (صلوات الله علیک و علی آل بیتک الطاهرین).

(و درود خداوند بر تو و بر آل بیت پاک و طاهرت باد) و در موضع دیگر از آن، گوید: (سلام و درود خداوند بر تو و بر آل بیت باد، این روز جمعه است). و در موضع دیگر گوید: (درود خداوند بر تو و بر آل بیت پاکت باد).

دلیل چهارم:

و در آخر کتاب (مزار)، بحار الأنوار از کتاب (مجموع الدعوات) اثر هارون موسی تلعبیری نقل می کند: (سلام و درودی طولانی از رسول الله ﷺ بر فرد فرد ائمه (علیهم السلام) می فرستند و بعد از سلام و درود بر حضرت حجت (علیه السلام)، سلام و درودی خاص بر والیان عهد حجت (علیهم السلام) و بر ائمه از فرزندش می فرستند و برای ایشان این گونه دعاء می کنند: (السلام علی ولاة عهده (أی ولاة عهد الامام المهدي (علیه السلام) و الأئمة من ولده، اللهم صل علیهم وبلغهم آمالهم وزد فی آجالهم وأعز نصرهم، وتم لهم ما أسندت إلیهم من أمر دینک، واجعلنا لهم أعواناً وعلی دینک أنصاراً. اللهم فإنهم معادن کلماتک، وخران علمک، وولاة أمرک وخالصتک من عبادک، وخیرتک من خلقک، وأولیائک، وسلائل أولیائک، وصفوتک وأولاد أصفیائک، صلواتک ورحمتک وبرکاتک

علیهم أجمعین).

(سلام و درود بر والیان عهد او (یعنی والیان عهد امام مهدی (علیه السلام) و ائمه‌ی بعد از حضرتش. آنها را به امیدهایشان برسان و عمرشان بلند و پیروزی را نصیبشان کن و به اتمام برسان آنچه را که به آنها از امر دین واگذار کردی و ما را برای آنها کمک به حال و در دین از انصار قرارمان ده. خداوندا آنها هستند معدن‌های کلمات، و خزانه‌داران علمت و والیان امرت و خالصین از بندگانت و بهترین خلقتت و زنجیره اولیایت و برگزیده‌ات و فرزندان برگزیدگانت درود و رحمتت و برکتت بر همه‌ی آنان باد).

دلیل پنجم:

سید ابن طاووس رحمته الله و غیر ایشان، زیارتی از حضرت (علیه السلام) را نقل می‌کند که در موضعی از دعای بعد از این زیارت آمده است: (اللهم أعطه فی نفسه و ذریته و شیعتہ و رعیتہ و خاصته و عامته و عدوه و جمیع اهل الدنیا ما تقر به عینه و تسر به نفسه...).

(خداوندا به او بده (یعنی حضرت مهدی (علیه السلام) در نفس و ذریه‌ی او و شیعیان و رعیتش و خاصه و عامه‌اش و دشمنانش و همه‌ی اهل دنیا عطائی مرحمت فرما که چشمش روشن و دلش شاد و او را به بهترین امیدهای دنیا و آخرت دارد برسان که تو بر همه چیز توانایی...).

دلیل ششم:

داستان جزیره خضراء.

دلیل هفتم:

شیخ کفعمی در مصابیح خود: همسر ایشان (علیه السلام) یکی از دختران ابی‌لهب (یعنی از ذریه‌ی ابی‌لهب است).

دلیل هشتم:

و سید جلیل علی بن طاووس در کتاب (اعمال ماه رمضان) روایت می‌کند: پدرم دعائی خواند: (باید در تمام روزها برای حفظ وجود امام حجت (علیه السلام) خوانده شود... و در قسمتی از

این دعاء، چنین آمده است: (وَجَعَلَهُ وَذَرِيَّتَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْوَارِثِينَ)، (او و ذریه‌اش از ائمه‌ی وارثین...).

دلیل نهم:

شیخ طوسی با سندی معتبر از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که حضرت در آن خبر، مقطعی از وصیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) در شب وفات خویش به امیر المؤمنین (علیه السلام) را ذکر می‌کند و از جمله‌ی آن، می‌فرماید: (پس هنگامی که وفاتش فرا رسد آن را به فرزندش، اولین مقربین تسلیم کند...). یعنی هنگامی که وفات امام مهدی (علیه السلام) فرا رسد، آن را به فرزندش اولین مهدیین تسلیم کند.

دلیل دهم:

شیخ کفعمی در مصباح خود، گوید: یونس ابن عبد الرحمن از امام رضا (علیه السلام) روایت می‌کند که ایشان همواره به دعاء برای صاحب امر (علیه السلام) این گونه سفارش می‌کردند: (اللهم ارفع عن وليك... خداوندا دفع کن از ولایت...). و در مقطع دیگری ذکر کردند: (اللهم صل علی ولایة عهده والأئمة من بعده...)، (خداوندا بر والیان عهد و ائمه‌ی بعد از او درود فرست...). تا آخر آن چه از ایشان تقدیم شد و در حاشیه گوید: (... یعنی نخست بر او و دوم بر آنان درود فرست، بعد از این که بر حضرت درود فرستاد، خواهان درود فرستادن بر ائمه بعد از ایشان از فرزندانش (علیه السلام) می‌باشد؛ زیرا آنان اشراف و عالم و امام کسی هستند که به آنان اقتدا کند و این فرموده‌ی حضرت دال بر آن است: (و ائمه از فرزندش) در دعای روایت شده از امام مهدی (علیه السلام).

دلیل یازدهم:

در مزار محمد بن المشهدی روایت شده که امام صادق (علیه السلام) به ابی بصیر فرمودند: (گویا نظاره‌گر نزول قائم (علیه السلام) به همراه اهل و عیالش در مسجد سهله هستم...).

دلیل دوازدهم:

علامه مجلسی در کتاب الصلاة از البحار در خصوص اعمال صبح روز جمعه، از نسخه قدیمی مؤلفات پیشینیانمان، دعائی طولانی آمده که بعد از نماز فجر خوانده می‌شود و در قسمتی از دعاء، در خصوص حضرت حجت (علیه السلام) چنین آمده است: (اللهم کن لولیک فی خلقک ولیاً وحافظاً، وقائداً وناصرًا، ودلیلاً ومؤیداً، حتی تسکنه أرضک طوعاً، وتمتعه فیها طویلاً وعرضاً، وتجعله وذریته من الأئمة الوارثین)، (خداوندا برای ولی خود در خلقت، ولی و حافظ و رهبر و یاری دهنده و راهنما و مؤید، و او را در زمینت به سلطنت بنشان و به رغبت مردم و بهره دهی او را در آن به طول و عرض قرار داده او را و ذریه‌ی او را از ائمه وارثین قرار دهی).

و هرگز خبری متعارض با این اخبار نرسیده است جز حدیثی که شیخ ثقة الجلیل فضل بن شعبان نیسابوری در غیبه خود، با استناد صحیح از حسن بن علی خزاز روایت کرده که گوید: علی بن حمزه بر ابو الحسن الرضا (علیه السلام) وارد می‌شود و عرض می‌کند: (شما امام هستید؟ فرمودند: آری. عرض می‌کند: من از جدتان جعفر بن محمد (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: امامی (از ما) نیست جز این که برای او ذریه‌ای باشد. فرمود: ای شیخ فراموش کرده‌ای یا خود را به فراموشی می‌زنی؟! جدم جعفر (علیه السلام) چنین نفرمود بلکه فرمود: امامی نیست جز این که برای او ذریه‌ای باشد. به جز آن امامی که حسین بن علی بر او خروج می‌کند؛ زیرا ذریه‌ای برای او نیست. سپس عرض کرد: راست گفتید فدایتان شوم این چنین از جدتان شنیدم).

و سید محمد حسینی ملقب به میر لوحی، شاگرد محقق داماد در کتاب کفایة المهتدی بعد از این که این خبر را ذکر کرد: (مؤمنان در ریاض به توافق رسیدند که این خبر شهر شیعه و جزیره خضراء و بحر الابیض (دریای سپید) که ذکر شده، در آنها، برای صاحب الزمان (علیه السلام) ذریه و فرزندان وجود دارد. این حداقل اعتباری نسبت به صحت حدیث صحیح می‌باشد و هر کس خواهان کسب اطلاع در خصوص آن است به کتاب مذکور مراجعه کند).

و شیخ طوسی این خبر را در کتاب الغیبة نقل می‌کند، که مقصود از امامی که فرزند ندارد، یعنی فرزندی برای او نیست و در حالی که امام می‌باشد، خاتم اوصیاء بوده و برای او فرزند دیگر به عنوان امام وجود ندارد. یا به عبارت دیگر، امامی که حسین بن علی (علیه السلام) بر او رجعت می‌کند، فرزندی ندارد. پس این امر با اخبار مذکور هیچ تعارض و تناقضی ندارد و الله اعلم).

و کلام میرزا نوری رحمته الله به پایان می‌رسد. و بر خواننده پوشیده نیست که راه حل شیخ طوسی برای تعارض مزبور، هرگز جنبه‌ی قناعت کننده‌ای برای این تعارض نداشته بلکه این تعارض همواره به صورت یک نقطه‌ی کور و مبهم باقی ماند، که در روشنگری دوم از این بحث ان شاء الله به حول و قوه‌ی الهی به حل این اشکال خواهیم پرداخت.

و اما بعد، لازم است بر برخی از ادله‌ای که بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) دلالت می‌کنند، گذری داشته باشیم که خداوند توفیق شناخت آن‌ها را بر من ارزانی داشت و به زودی سلسله ادله‌ی میرزا نوری رحمته الله که آن‌ها را به دوازده دلیل می‌رسانیم، را کامل خواهیم کرد.

دلیل سیزدهم:

شیخ عباس قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان در دعائی برای صاحب الزمان (علیه السلام) ص ۶۱۶ و ادامه‌ی آن بعد از دعای شریف عهد، در یکی از قسمت‌های آن آمده است: (اللهم أعطه (أي) على الامام المهدي (عليه السلام) في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع أهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه)، (خداوندا به او بده (یعنی حضرت مهدی (علیه السلام) در نفس و ذریه‌ی او و شیعیان و رعیت‌اش و خاصه‌اش و عامه‌اش و دشمن‌اش و همه‌ی اهل دنیا عطائی مرحمت فرما که چشمش روشن و دلش شاد گردد).

و این دعاء در خصوص ذکر یکی از فرزندان خاص امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد و بعد از آن در خصوص ذکر ذریه ایشان، پس آنچه دلالت می‌کند این است که این فرزند دارای مقام خاص و والا می‌باشد و به زودی توضیحی در این باب در روشنگری سوم از این بحث خواهد آمد ان شاء الله تعالی.

دلیل چهاردهم:

فرموده‌ی امام مهدی (علیه السلام) در خطبه‌ای که هنگام قیام، در بین رکن و مقام می‌خواند: (...همانا سبک شمرده شدیم و مورد ظلم و ستم واقع گشتیم و از سرزمین و فرزندان خود

رانده شدیم و بر ما ظلم و ستم شد و از حق خود دفع شدیم...»^(۹)

و این بیان و اعلان از جانب امام مهدی (علیه السلام) در آغاز قیام می‌باشد، مبنی بر این که به سبب تعقیب از جانب حُکام و ظالمان و جستجو به دنبال اثری از ایشان (علیه السلام) در هر زمان و هر مکان، از خانه و فرزندان خود دور گشته است.

و این قسمت از کلام حضرت: **(و از دیار و فرزندان خود رانده شدیم)**، انطباق بسیار زیادی بر امام مهدی (علیه السلام) تا بر پدران بزرگوارش (علیه السلام) دارد؛ زیرا ائمه (علیه السلام) هر چند با وجود ظلم و ستمی که بر آنان روا شد و حقیقتاً مغضوب بوده، همواره اغلب ایشان در کنار فرزندان و در دیار خود زندگی کردند، و اگر بگوییم این قسمت برای عامه‌ی ائمه (علیه السلام) می‌باشد، پس شامل امام مهدی (علیه السلام) نیز می‌باشد؛ زیرا از ائمه است و صاحب کلام می‌باشد و کلام در بار نخست مصداقی برای اوست و سپس بر ائمه دیگر غیر از ایشان قابل انطباق می‌باشد.

دلیل پانزدهم:

در بشارة الإسلام به نقل از بحار الأنوار از سطح کاهن در خبری طولانی، در یکی از قسمت‌هایش، هنگامی که برخی وقایع پیش از قیام امام مهدی (علیه السلام) را به تصویر می‌کشند، آمده است: **(... فعندها يظهر ابن المهدي (علیه السلام))**، **(... پس در هنگامی آن، فرزند مهدی (علیه السلام) ظهور می‌کند)**.^(۱۰) و این نص به صراحت دلالت می‌کند بر این که قبل از قیام امام مهدی (علیه السلام) فرزند ایشان (علیه السلام) ظهور می‌کند و این فرزند، همان فرزندی است که در ادعیه‌ی بسیار بر او تأکید شده و او نخستین مهدیین از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد، همان‌گونه که اخبار بر او دلالت کرده است.

و ممکن است مهدی مذکور در خبری که شیخ طوسی استخراج کرده، همان فرزند باشد که آمده است: **(ثم يخرج السفیانی من الوادي اليابس، وهو من ولد عتبة بن ابي سفیان، فإذا ظهر السفیانی اختفی المهدي، ثم يخرج من بعد ذلك)**، **(سپس سفیانی ملعون از سرزمین خشک خروج می‌کند و او از فرزند عتبه بن ابی سفیان می‌باشد، پس هنگامی که سفیانی خروج کند،**

۹. الغیة للنعمانی: ص ۲۹، ما بعد الظهور للسید الصدر (قدس سره): ص ۲۲۲.

۱۰. بشارة الإسلام: ص ۱۵۷.

مهدی مخفی می‌گردد و سپس بعد از آن خروج می‌کند.^(۱۱)

پس مقصود از مهدی در این روایت، امام مهدی (علیه السلام) نیست؛ زیرا امام مهدی (علیه السلام) بعد از سفیانی به مقدار حداقل شش ماه، خروج و قیام می‌کند و خروج سفیانی پیش از خروج ایشان بوده و نشان‌های از نشانه‌های نزدیکی قیام امام مهدی (علیه السلام) به شمار می‌رود. پس مهدی مذکور در روایت — که قبل از سفیانی خروج می‌کند، سپس در هنگامه‌ی خروج سفیانی مخفی می‌گردد و بعد از آن ظاهر می‌شود — فرزند امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد و او نخستین مهدیین و نخستین یاری دهندگان امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد. همان‌گونه که اخبار صحیح از اهل بیت (علیهم السلام) چنین توصیف کرده و ان شاء الله تفصیل آن در روشنگری پنجم از این بحث خواهد آمد. پس خدا تو را خیر دهد، در آن تأمل و تدبیری کن.

دلیل شانزدهم:

داوود بن کثیر الرقی گوید: از ابا الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) در مورد صاحب این امر پرسیدم، حضرت (علیه السلام) فرمودند: (هو الطريد، الوحيد، الغریب، الغائب عن أهله، الموتور بأبيه (علیه السلام))، (او همان دور افتاده، تنها، غریب، غائب از اهل خویش، خوانخواه پدرش (علیه السلام) است).^(۱۲) پس معنای "اهل" هر چند بر پدر و مادر و غیرشان دلالت می‌کند، اما بر همسر و فرزندان نیز دلالت می‌کند بلکه واژه‌ی "اهل" نسبت به بقیه‌ی معانی، بیشترین نزدیکی و دلالت را بر همسر و فرزندان دارد، و امکان استدلال بر خلاف آن وجود ندارد و شاید این حدیث، قرینه و مؤیدی برای بقیه‌ی ادله‌ای که وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) در غیبت کبری، دلالت می‌کنند، باشد.

دلیل هفدهم:

شیخ حائری در الزام الناصب نقل می‌کند: (در حدیث جم الفوائد کثیر العوائد حسن السبک، آن را میوه‌ای از شاخه‌ی این درخت مبارک قرار داد و آن، حدیث وارد در تأویل

۱۱. الغیبة: ص ۲۹۴.

۱۲. کمال الدین: ج ۲ ص ۳۹۴.

سوره‌ی القدر و العصر در شأن صاحب الأمر علیه السلام از سید ثقة الجلیل الفقیه سید نعمه الله جزائری رحمته الله در برخی مؤلفاتش از ابن عباس گوید: هنگامی که خلافت به امیر المؤمنین و سرور اوصیاء و پیشرو سپید رویان علی بن ابی طالب علیه السلام رسید، در روز سوم، مردی با لباس سبز به سوی ما آمد و در درب مسجد ایستاد و امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد نشسته و مردم سمت راست و چپ ایشان را احاطه کرده بودند. پس آن مرد عرض کرد: سلام بر اهل بیت نبوت و معدن رسالت_ تا آنجا که درباره سوره قدر پرسید و حضرت علیه السلام پاسخ دادند تا این که بدین موضوع رسیدند و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: و أما قوله: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ﴾،^(۱۳) فإنه لما بعث الله محمد صلى الله عليه وآله ومعه تابوت من در أبيض له اثنا عشر باباً، فيه رق أبيض فيه أسامي الإثني عشر فعرضه على رسول الله ﷺ وأمره عن ربه أن الحق لهم وهم أنوار، قال: ومن هم يا أمير المؤمنين؟ قال: أنا وأولادي الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي ومحمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليهم أجمعين، وبعدهم أتباعنا وشيعتنا المقرون بولايتنا المنكرون لولاية أعدائنا...^(۱۴).

و اما فرموده‌ی خدای عز و جل: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ﴾، (فرشتگان نازل می‌شوند). آن هنگامی که خداوند حضرت محمد ﷺ را مبعوث کرد، همراه او تابوتی بود از مروارید سپید، که برای آن دوازده درب است، و در آن رقعهای سپید است که در آن نام دوازده نفر می‌باشد، بر رسول خدا ﷺ عرضه نمود. و از طرف پروردگارش به او امر شد که حق برای آنهاست و آنها نور هستند. ابن عباس عرض کرد: ای امیر المؤمنان آنها چه کسانی هستند؟ امام علی علیه السلام فرمودند: من و فرزندانم حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن الحسن صاحب الزمان که درود خداوند بر آنها باد هستیم، و بعد از آنها پیروان و شیعیان ما اقرار کننده به ولایت ما و انکار کننده ولایت دشمنان ما خواهند بود). و این روایت بر استمرار تنزیل در شب قدر بر اتباع و شیعه‌ی اهل بیت علیهم السلام اقرار کنندگان

۱۳. القدر: ۴-۵.

۱۴. الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۰۶.

به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) دلالت می‌کند و این شیعه، مهدیین اولیاء از ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) می‌باشند. کسانی که قیادت و رهبری اُمت را بعد از پدر بزرگوارشان (علیه السلام) بر عهده می‌گیرند و روایت دیگر دال بر این امر می‌باشد:

عن أبي بصير قال قلت للصادق جعفر بن محمد (علیه السلام): (یا ابن رسول الله ﷺ سمعت من أبيك (علیه السلام) أنه قال يكون بعد القائم اثنا عشر اماما. فقال إنما قال اثنا عشر مهديا ولم يقل اثنا عشر إماماً ولكنهم قومٌ من شيعتنا يدعون الناس إلى موالاتنا ومعرفة حقنا).^(۱۵)

ابی بصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: (ای فرزند پیامبر از پدرتان شنیدم که فرمود: بعد از قائم دوازده امام می‌باشند. امام (علیه السلام) فرمودند: ایشان فرمودند دوازده مهدی و نفرمودند دوازده امام ولی آنها گروهی از شیعیانمان هستند که مردم را به ولایت و شناخت ما دعوت می‌کنند).

پس امام (علیه السلام) در این روایت، مهدیین را به همان وصفی که در روایت گذشته توصیف شدند، توصیف کردند: (و بعد از آنان _ یعنی بعد از ائمه معصومین _ پیروانشان و شیعه‌ی ما، اقرار کنندگان به ما و انکار کنندگان ولایت دشمن ما).

و آنچه حائز اعتقاد می‌باشد، این است که بعد از امام مهدی (علیه السلام)، حکم برای مدت طولانی استمرار خواهد یافت، که در این دوره، ملائکه در شب قدر به حضور چه کسی شرفیاب می‌شوند؟! پس تطبیق این روایت اول بر کسی جز ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) امکان‌پذیر نیست.

و اما کسی که می‌گوید، همانا نزول ملائکه در شب قدر، بعد از امام مهدی (علیه السلام) بر ائمه‌ی معصومین در رجعت، میسر می‌گردد.

می‌گویم: اول: در این بحث، با استناد بر روایات سلسله‌وار و متعدد با سند صحیح و شایسته‌ی اعتقاد، حکومت‌داری ایشان (علیهم السلام) بعد از امام مهدی (علیه السلام) را ثابت کردم. و اما رجعت، بعد از حکومت‌داری ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) یعنی دوازده مهدیین، میسر می‌گردد.

دوم: روایت اول: (و بعد از آنان، پیروان آنان و شیعه‌ی ما، اقرار کنندگان به ولایت ما...). اگر مقصود روایت، رجعت ائمه‌ی معصومین به زندگی دنیا بود، به تحقیق آنان را ائمه

توصیف می‌کرد نه پیرو و تابع خط مشی ائمه، و این امر در روایت بسیار صریح و روشن است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

دلیل هجدهم:

عن الإمام الرضا (علیه السلام)، قال: (كأني برايات، من مصر مقبلات، خضر مصبغات، حتى تأتي الشامات، فتؤدي إلى ابن صاحب الوصيات).^(۱۶)

از امام رضا (علیه السلام): (گویا پرچم‌هایی که سبز رنگ هستند و از مصر رو می‌آورند را می‌بینم، تا این که به شام می‌رسند و به فرزند صاحب وصیت‌ها داده شود).

پس دلالت این روایت بسیار واضح است که قبل از قیام قائم، درفش‌ها به سوی فرزند صاحب وصایا هدایت می‌شوند، (بیعت می‌کنند) و صاحب وصایا، همان وارث ائمه‌ی معصومین و خاتم ایشان و کسی است که وصیت بدو رسیده و ایشان امام محمد بن الحسن عسکری صاحب العصر و الزمان (علیه السلام) و مستحفظ از آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد. پس برای ما حاصل شد که فرزندی برای امام مهدی (علیه السلام) و قبل از قیام حضرتش موجود می‌باشد و برای زمینه‌سازی پدر بزرگوارش (علیه السلام) قیام می‌کند و این روایت و روایت قبلی، با روایات مهدیین دوازده گانه از ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) کاملاً مطابقت دارد.

دلیل نوزدهم:

ذکر ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) در دعای روز سوم از ماه شعبان، روز ولادت امام حسین (علیه السلام) وارد شده: دعای وارد شده از امام حسن عسکری (علیه السلام): امام حسین (علیه السلام) روز پنجشنبه سوم شعبان متولد شد پس روزه بگیر آن را و این دعاء را بخوان: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ... الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِثْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَعَیْبَتِهِ حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ، وَيَثَارُوا الثَّارَ، وَيَرْضُوا الْجَبَّارَ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اُخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيئٍ إِلَى نَفْسِهِ، مِمَّا فَرَطَ

فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ).^(۱۷)

(خداوندا از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز حضرت حسین که بیش از آنکه متولد شود وعده شهادت داده شده... و به انتقام خون پاکش امامان را از نسل او و شفاء را در تربتش قرار دادی و پیروزی را با ائمه بعد از قائمشان و غیبتش قرار دادی تا آنکه به خون خواهی او برخیزند و خدا را خشنود کنند بهترین یاران خدا باشند، که صلوات خدا بر آنها باد با تغییر روز و شب).

و این متن صریحی است که ائمه از نسل امام حسین (علیه السلام) و اوصیاء بعد از امام مهدی (علیه السلام) از عترت امام حسین (علیه السلام) بواسطه‌ی امام مهدی (علیه السلام) می‌باشند و این دعاء نیز افزون بر روایات مهدیین بعد از قائم (علیه السلام) می‌باشد.

دلیل بیستم:

و آن، مدح امام حسن عسکری (علیه السلام) در خصوص اسباط از ذریه‌ی قائم (علیه السلام) می‌باشد: بعضی از علماء از جمله مجلسی تصریح کردند: پدر بزگوار امام محمد حسن عسکری (علیه السلام) با خط خود بر پشت کتاب نوشته‌اند: (قد صعدا ذري الحقائق بأقدام النبوة والولاية، وذرنا سبع طرائق أعلام الفتوة والهداية، ونحن ليوث الوغى، وغيوث الندى، وفينا السيف والقلم في العاجل، ولواء الحمد في الآجل، أسباطنا خلفاء الدين القويم، و فرزندان فرزندان ما جانشینان دین‌اند) و مصابیح الأمم، ومفاتيح الكرم).^(۱۸) و در این‌جا امام حسن عسکری (علیه السلام) به اسباط خویش اشاره می‌کند: (أسباطنا خلفاء الدين القويم)، فرزندان فرزندان ما جانشینان دین‌اند و سبط یعنی نوه، یعنی فرزندی فرزندی. و برای امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندی جز محمد (علیه السلام) نیست. پس تعیین می‌کند که این اسباط از ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) و خلفای ایشان در امت می‌باشند و هم‌چنین این روایت، پشتوانه‌ای دیگر برای روایات ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) که بعد از ایشان حکومت‌داری می‌کنند، می‌باشد.

۱۷. مفاتيح الجنان: ص ۲۲۲، ضیاء الصالحین: ص ۳۱، مصباح الكفعمی: دعای سوم شعبان.

۱۸. بشارة الإسلام: باب ۱۲ ص ۱۶۸.

نتیجه:

از اخباری که ذکر شد، نتیجه‌گیری می‌شود که امام مهدی (علیه السلام) ازدواج کرده و ذریه دارند و ذریه‌ی ایشان کسانی هستند که بعد از وفات پدرشان، امر رهبری اُمت را بر عهده می‌گیرند، و آنان همان کسانی هستند که روایات از ایشان به عنوان مهدیین یا مقریین یاد کرده و صاحب مقام والا و رفیع می‌باشند؛ و آنان ائمه‌ای هستند که متصدی و متولّی امامت اُمت اسلامی بعد از وفات امام مهدی (علیه السلام) خواهند شد. و این معنا از خلال اخبار متواتر که بدین امر اشاره و تأکید می‌کند، مقطوع به صحت می‌باشد مبنی بر این که همگی بر این نص و مضمون آن سود می‌بخشد، و خود این امر برای استدلال بر وجود ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) از باب اثبات این ذریه، بدون وجود تعارض و تناقض تا آنجا که آیا قبل از قیام امام (علیه السلام) موجود بوده یا بعد از قیام حضرتش (علیه السلام) کفایت می‌کند.

و از بدیهیات است که اثبات ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) بعد از قیام، ضروری است؛ زیرا با نفی آن، اصل موضوعی که جمله‌ای از اخبار بدان تصریح می‌کنند، نفی شده است.

باید وجود ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام)، قبل از قیام حضرتش را ثابت کرد و از این معنا، دلیل اول، ششم، هفتم، یازدهم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم و دلیل هجدهم، از دلایل که قبلاً ذکر شد، مستفاد می‌گردد. [به آنها مراجعه کنید].

علاوه بر آن، در مورد باقی ادله، احتمال بزرگی می‌رود که از آنها تنها از نظر زمان و وقت، تمی هستند و اصلاً بر نفی ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) در قبل از قیام حضرتش، دلالت نمی‌کنند و به زودی به اثبات ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) در عصر ظهور و ما قبل قیام در روشنگری اول از این بحث، خواهم پرداخت ان شاء الله تعالی.



روشنگری اول:

ذریه امام مهدی (علیه السلام)

کلام کسانی که از عدم وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) سخن می‌گویند، از هر گونه دلیل شرعی و عقلی، تهی می‌باشد.

و اما دلیل شرعی، هیچ روایتی در نفی ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) چه قبل از قیام و چه بعد از آن، وجود ندارد. جز یک روایت؛ که برخی‌ها متوهم شدند، وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) را نفی می‌کند و به زودی در روشنگری دوم آن را مورد مناقشه قرار خواهیم داد، ان شاء الله تعالی. و علاوه بر عدم وجود روایت در خصوص نفی ذریه، روایات بسیاری وجود دارند که بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) قبل و بعد از قیام مقدس، تأکید می‌کنند. پس نمی‌دانم معنای این همه اصرار برای نفی ذریه امام مهدی (علیه السلام)، چیست! در حالی که اصل خلقت در وجودش است و بر مستحب بودنش تأکید می‌شود.

و اما از جهت دلیل عقلی، هیچ مورد عقلی پیدا نشد که ازدواج و ذریه امام مهدی (علیه السلام) در هر وقت و زمان یا به صورت دائم، را نفی کند؛ جز این که ازدواج و ذریه باعث آشکار شدن شخصیت حضرت برای دشمنان یا باعث از بین رفتن معنای غیبتی که خداوند سبحان برای ایشان اختیار کرده، گردد. و به نظر کوتاه‌بین من، از این‌گونه قید و شرط‌هایی که وجود همسر و فرزند برای امام مهدی (علیه السلام) را جایز می‌کند، مجال گریز نیست. و درازه‌گویی در آن بسیار است؛ زیرا هنگامی که وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) از طریق روایات ثابت شد، این شیوه در کیفیت غیبت حضرت و پوشیده ماندن راز ایشان از دشمنان و حفاظت از جایگاه غیبتش (علیه السلام) بسیار حکیم‌تر و داناتر است. پس چرا ما نفس خود را مکلف کرده و برای آن قید و شرط قرار می‌دهیم، و آیا این عاقلانه است که این امور به عقول ناقص ما برسد و از امام مهدی (علیه السلام) مخفی بماند؟! و بلا نسبت ایشان که صاحب عقل کامل و معصوم است.

پس ممکن است امام مهدی (علیه السلام) همسر نیکوکاری برای خویش برگزیند که صاحب راز ایشان بوده و آن را از مردم و حتی از ذریه‌اش کتمان کند، و این در صورتی است که بگوییم همسر ایشان از حقیقت شخصیت امام (علیه السلام) آگاهی دارد.

و اما اگر بگوییم که همسر، از شخصیت حقیقی امام (علیه السلام) بی اطلاع است، پس امر آسان‌تر از مورد قبلی می‌شود، جایی که امام مهدی (علیه السلام) حتی برای همسر خویش، ناشناس باقی می‌ماند. و عرض کردم که امام (علیه السلام) در تدبیر امور خویش داناتر می‌باشد و در آن شکی نیست، پس هرگز نفس خود را به آنچه که به ما مربوط نیست، مکلف نمی‌سازیم تا ازدواج امام مهدی (علیه السلام) در دوران غیبت را ناممکن جلوه دهیم. و برای ما شایسته‌تر است که به موسوعه مهدوی (فرهنگنامه‌ی مهدویت) مراجعه کنیم و نظر سید صدر در این باره، مطالعه‌ای داشته باشیم:

شهید سید محمد، محمد صادق صدر قده در خصوص غیبت کبری می‌گوید: (نظرات دوم: نظرانی در باب پنهان بودن جایگاه، تمام کلامی که دیدیم، بدون موضوعیت است. مهدی (علیه السلام) از ازدواج در صفت حقیقی خویش، معذور می‌بود، پس چرا از عدم وجود زن خاص، مورد پسند و مطلوب، سخن بگوییم؟! اما ازدواج در صفت شخصیتی عادی در اجتماع یا در شخصیتی دوم، امکان‌پذیر است و از جمله امور راحت و تسهیل‌گونه می‌باشد جایی که همسرشان در طول عمرش از حقیقت حضرت بی اطلاع بماند، پس اگر به مرور زمان، برخی تصرفات حضرت یا عدم ظاهر شدن آثار پیری در ایشان... زن را به شک و تردید انداخت، آیا این امکان برای مهدی (علیه السلام) وجود دارد که با نوشتن دست‌نوشته‌ی ساده او را طلاق دهد و از خود دور سازد و بار دیگر از نو ازدواج کند و... و اگر ازدواج ایشان ممکن گشت، کلام در تحقق آن نیز ممکن می‌گردد. و این که امام مهدی (علیه السلام) در غیبت کبری، فعلاً ازدواج کردند؛ زیرا در آن تطبیقی بر سنت مؤکده در اسلام و اوامر بسیار در ازدواج و حرص بزرگی بر آن، و اجتناب از ترکش، وجود دارد. و مهدی (علیه السلام) در پیروی از سنت اسلام، سزاوارتر است و به خصوص این که بگوییم، معصوم مستحب را ترک نکرده و مکروه را انجام نمی‌دهد و به عصمت مهدی (علیه السلام) ملتزم باشیم که صحیح‌تر این است، پس تعیین می‌کند، بعد از رسیدن به امکان ازدواج ایشان و عدم منافات بودنش با غیبت حضرت (علیه السلام)، و اگر با این تصور سیر یابیم، این امکان برآیند می‌آید که در هر قوم یا در میان بیش‌تر اقوام، به مرور زمان، پیدایش ذریه‌ی جدیدی برای حضرت تصور می‌کنیم، اما همسر نمی‌داند که از نسل امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد؛ زیرا حضرت حقیقت خویش را بر همسر و فرزندان خود آشکار نکرده، و اگر

نه چگونه نسل‌های متأخر از ذریه‌ی ایشان باشند).^(۱۹)

و سید صدر مُتَرَشُّ کلامی طولانی در مناقشه‌ی روایاتی که ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) را ثابت می‌کنند، دارد که یک بار آن‌ها را تقویت می‌بخشد و بار دیگر تضعیف می‌کند و به زودی به صورت خلاصه به آنچه که این بحثم را تأیید می‌کند، بسنده خواهم کرد.

سید صدر مُتَرَشُّ سه وجه برای روایت شیخ طوسی ذکر می‌کند: (... لا یطلع علی موضعه أحد من ولده ولا غیره إلا المولی الذی یلی أمره)، (بر موضعش کسی مطلع نمی‌شود حتی فرزندان و غیر آن‌ها، مگر مولایی که امرش بعد از اوست).

سید در وجه اول و سوم، کلام در باب وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) را تضعیف می‌کند و اما در وجه دوم می‌گوید: (حد اقل اقرار به وجود کلمه‌ی فرزند در روایت، بر امر اضافه‌ای که قواعد دو نظر مطرح شده، (پنهانی جایگاه) بر آن قضاوت کرده، دلالت نمی‌کند. ممکن است امام مهدی (علیه السلام) ذریه‌ای داشته باشد در حالی که از حقیقت پدر خود به اندازه‌ای که امرش بر آنان ظاهر نگردد و رازش فاش نشود، بی اطلاع باشند، همان‌گونه بیش از این دانستیم و یا این که مهدی (علیه السلام) همسری مورد اعتماد از میان نسل‌ها اختیار کرده که از حقیقت حضرتش آگاهی داشته و حافظ راز ایشان از ذریه‌اش شده و اما وجود فرزند یا ذریه‌ای که با ایشان (علیه السلام) نشست و برخاست داشته باشد و ایشان را بشناسند، بر اساس متن روایت، امری نفی شده است، همان‌گونه که به اقتضای قواعد، نفی شده می‌باشد).^(۲۰)

و اما داستان جزیره خضراء: سید صدر مُتَرَشُّ کلام طولانی در تضعیف و عدم استدلال با آن دارد، اما تعلیقی در خصوص این مقام دارد که جهت سودمندی، آن را ذکر می‌کنیم: (و جملتاً در حقانیت این دو روایت [روایات جزیره الخضراء]، وقوع ازدواج امام مهدی (علیه السلام) با یک زن از خلال نسل‌ها، کفایت می‌کند. همان‌گونه که آشکار است، قواعد عامه نیز آن را نفی نمی‌کند. پس هرگز چیزی از روایات نیافتیم که بر مضمون اضافه‌ای که از قواعد عامه شناختیم، بتوان بر آن استدلال کرد).^(۲۱)

۱۹. الغیبة الکبری: ص ۶۲.

۲۰. الغیبة الکبری: ص ۶۵.

۲۱. الغیبة الکبری: ص ۶۶.

و شخص متفکر در کلام سید صدر ثُمَّ نَشَأُ نتیجه‌ای با این مضمون استخراج می‌کند: (اگر وجود ذریه و همسر برای امام مهدی (علیه السلام) باعث ایجاد خطر و سبب بر ملا شدن شخصیت و فاش شدن راز حضرت مقابل مردم شود، این مخالف قواعد عامه بوده و حاصل شدن آن امکان‌پذیر نیست. اما اگر وجود همسر و ذریه باعث ایجاد خطر برای امام (علیه السلام) نشود و اسرارش را فاش نسازد؛ پس چنین امری، بسیار راحت‌تر بوده و امکان استدلال با آن وجود دارد؛ زیرا موافق قواعد عامه بوده و اخبار نیز آن را تأیید می‌کند).^(۲۲)

و در گذشته اشاره کردم، اگر از مجموع روایات، برای امام مهدی (علیه السلام) همسر و ذریه مستفاد گردیدیم. امام مهدی (علیه السلام) خود دانایتر و نگهبان‌تر است نسبت به مراعات قواعد عامه و ایشان به قدرت خداوند متعال در تدبیر امور خویش در زمینه‌ی ازدواج و ذریه‌داری به همراه مراقبت از عدم فاش شدن اسرار و در معرض خطر دشمنان قرار گرفتن، بسیار آگاهند.

امام صادق (علیه السلام) به ابی بصیر می‌فرمایند: (گویی نظاره‌گر نزول قائم (علیه السلام) به همراه اهل و عیال خویش در مسجد سهله هستم...) ^(۲۳)

فرموده‌ی امام مهدی (علیه السلام) در خطبه‌ای که هنگام قیام، در بین رکن و مقام می‌خواند: (... همانا سبک شمرده شدیم و مورد ظلم و ستم واقع گشتیم و از سرزمین و فرزندان خود رانده شدیم و بر ما ظلم و ستم شد و از حق خود دفع شدیم...) ^(۲۴)

داستان جزیره الخضراء: و هر کس خواهان شناخت گویندگان به صحتش از علماء، به تعلیق سید یاسین موسوی در النجم الثاقب جزء دوم ص ۱۷۲ در حاشیه شماره ۳ و داستان جزیره الخضراء در نجم الثاقب ج ۲ ص ۱۷۲ موجود است باشد، که بیست و یک عالم از علمای شیعه، آن را نقل کردند. از جمله: سید نور الله تستری در کتاب مجالس المؤمنین ج ۱ ص ۷۸، و شیخ علی حائری در کتاب الزام الناصب ج ۲ ص ۸۵ و مقدس اردبیلی در کتاب حدیقة الشیعه ص ۷۲۹ و فیض کاشانی در نوادر الأخبار ص ۳۰۰ و شهید اول، محمد بن مکی و سید

۲۲. الغیبة الکبری: ص ۶۶.

۲۳. النجم الثاقب: ج ۲ ص ۷۲.

۲۴. الغیبة للنعمانی: ص ۲۹۰، ما بعد الظهور للسید الصدر (قدس سره): ص ۲۲۲.

هاشم بحرانی در تبصرة الوالی فط من رأى القائم المهدی (علیه السلام). و از جملهی آنان: علامه میرزا اصفهانی در تفسیر الأئمة لهداية الأمة و حر العاملی در اثبات الهداة ج ۷ ص ۳۷۱ و محقق کرکی و استاد اکبر، مؤسس مدرسه‌ی اصولیه الوحید البهبهانی در بحث صلاة الجمعة ص ۲۲۱ و عبدالله شبر در جلاء العیون و سید مهدی بحر العلوم، صاحب الکرامات و المقامات فی الفوائد الرجالية ج ۳ ص ۱۳۶ و دیگر علمای بزرگ، کسانی هستند که داستان جزیره‌ی خضرا، محل سکونت فرزندان امام مهدی (علیه السلام) و شیعه‌ی ایشان می‌باشد و کسی از آن مطلع نمی‌گردد جز این که خداوند خواهد. و این علمای بزرگوار، ادله‌ای در تأیید صحت و واقعیت این قصه، نقل کرده‌اند، که اگر ثابت گردد، پس آن بزرگترین دلیل بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) در غیبت کبری می‌باشد. و غیر از این، ادله‌ی بسیاری بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) در عصر غیبت کبری دلالت می‌کنند و ذکر آنها، در خور این بحث مختصر نیست.



روشنگری دوم:

روایات ذریه، در تعارض نیستند.

میرزا نوری صاحب کتاب نجم الثاقب، یگانه روایتی که برخی‌ها متوهم شدند، با روایات بسیاری که بر ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) در غیبت کبری یا بعد از آن، دلالت می‌کنند، در تعارض است و میرزا نوری راه حلی برای این تعارض ذکر می‌کند و آن را به شیخ طوسی نسبت می‌دهد. این‌که به حل این تعارض، وعده داده شد که به حول و قوه الهی، دیگر چشم پوشی بدان باقی نمی‌ماند و این روایت:

حسن بن علی خزاز روایت کرده که گوید: (علی بن حمزه بر ابو الحسن الرضا (علیه السلام) وارد می‌شود و عرض می‌کند: شما امام هستید؟ فرمودند: **آری**. عرض می‌کند: من از جدتان جعفر بن محمد (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: امامی (از ما) نیست جز این‌که برای او ذریه‌ای باشد. فرمود: **ای شیخ فراموش کرده‌ای یا خود را به فراموشی می‌زنی؟! جدّم جعفر (علیه السلام) چنین نفرمود بلکه فرمود: امامی نیست جز این‌که برای او ذریه‌ای باشد. به جز آن امامی که حسین بن علی بر او خروج می‌کند؛ زیرا ذریه‌ای برای او نیست. سپس عرض کرد: راست فرمودید فدایتان شوم این چنین از جدتان شنیدم.** (۲۵)

و بعضی‌ها متوهم شدند که این روایت، ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) را نفی می‌کند، بدین سبب که گمان می‌کنند امام مذکور در روایت که فرزند و عقب ندارد، امام مهدی (علیه السلام) است و این درک و فهم اشتباهی است.

پس امامی که فرزند و ذریه ندارد و حسین بن علی (علیه السلام) بر او خروج می‌کند، آخرین مهدیین است که بعد از امام مهدی (علیه السلام) حکومت‌داری می‌کنند و ذریه و فرزندان ایشان (علیه السلام) هستند.

عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام): (إن منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (عليه السلام)).^(۲۶)
امام صادق (عليه السلام) می فرماید: (از ما بعد از قائم یازده مهدی از فرزندان حسین (عليه السلام) خواهند بود).

عن أبي عبد الله (عليه السلام) عن آبائه (عليهم السلام) عن أمير المؤمنين (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): (... و ليسلمها الحسن إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد، فذلك اثنا عشر إماماً؛ ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد الله واحمد والإسم الثالث المهدي وهو أول المؤمنين).^(۲۷)
ابی عبدالله (عليه السلام) از پدران بزرگوارش (عليهم السلام) از امیر المؤمنین (عليه السلام) نقل می کند که فرمودند: رسول الله (صلى الله عليه وآله) فرمودند: (... و اگر وقت وفات حسن عسکری رسید خلافت را به فرزندش م ح م د، مستحفظ از آل محمد (عليهم السلام) تسلیم کند و ایشان دوازده امام می باشند و سپس دوازده مهدی بعد از او خواهند بود. پس اگر مرگ به سوی او (حجت ابن الحسن) آمد خلافت را به فرزندش، نخستین مهديين تسليم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم: عبد الله و احمد و نام سوم مهدی است. و او اولین ایمان آورنده (به پدرش) است).

و در دعائی برای امام مهدی (عليه السلام) روایت شده: (صل على وليك وولاية عهدك والأئمة من ولده ومد في أعمارهم...)، (و درود بفرست، و بر ولی خودت و والیان عهد تو و پیشوایان از فرزندان او درود فرست و طول در عمرشان مرحمت فرما).^(۲۸)

و این مهديين از ذریه ی امام مهدی (عليه السلام) هستند که بعد از وفات ایشان، حکومت داری می کنند و آخرین آنان، فرزند و ذریه ندارد؛ زیرا امام حسین (عليه السلام) بر ایشان خروج می کند، یعنی رجعت می کند.

۲۶. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۴۸، البرهان: ج ۳ ص ۳۱۰، الغيبة: ص ۳۸۵.

۲۷. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴۵، الغيبة للطوسی: ۱۵۰.

۲۸. الغيبة للطوسی: ص ۲۸۰، النجم الثاقب: ج ۲ ص ۷۰، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۴.

عن جابر الجعفی قال سمعت أبا جعفر (علیه السلام) يقول: (والله لیملکن منا أهل البيت رجل بعد موته ثلاثمائة سنة ویزداد تسعا. قلت: متى یكون ذلك؟ قال: بعد القائم. قلت: وکم یقوم القائم فی عالمه؟ قال: تسع عشرة سنة ثم یخرج المنتصر فیطلب بدمه ودماء أصحابه فیقتل ویسی حتی یخرج السفاح وهو أمير المؤمنین علی بن أبي طالب (علیه السلام)). (۲۹)

جابر جعفی گوید: از ابا جعفر (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: (به خدا که، مردی از اهل بیت ما بعد از مرگش سیصد سال بر زمین حکم می کند، و نه سال بر آن اضافه شود. عرض کردم: چه وقت باشد؟ فرمودند: بعد از قائم. عرض کردم: و چقدر قائم در عالمش قیام می کند؟ فرمودند: نوزده سال، سپس منتصر خروج می کند. پس به خون خواهی خود و یارانش مطالبه کند و بکشد و به اسارت گیرد تا آن که سفاح و او امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) است خروج کند).

پس ممکن است ضمیر شخصی در کلمه‌ی (وفاته) به امام مهدی (علیه السلام) باز گردد؛ زیرا کلام امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی ایشان (علیه السلام) است.

و در روایت دوم آمده است: (ثم یخرج المنتصر إلى الدنيا وهو الحسين (علیه السلام) فیطلب بدمه ودماء أصحابه فیقتل ویسی حتی یخرج السفاح وهو أمير المؤمنین علی بن أبي طالب (علیه السلام)). (۳۰)

(سپس منتصر به دنیا خروج می کند و او حسین (علیه السلام) است پس به خون خواهی خود و یارانش مطالبه کند و بکشد و به اسارت گیرد تا آن که سفاح و او امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) است خروج کند).

و از این دو روایت، مستفاد می شود: کسی که حسین (علیه السلام) بر او خروج می کند و کسی که بعد از امام مهدی (علیه السلام) به مدت سیصد و نه سال حکومت می کند، او آخرین مهدی از ذریه و فرزندان امام مهدی (علیه السلام) می باشد و او همان مهدی است که فرزند و ذریه ندارد و حسین بن علی (علیه السلام) در رجعت، بر او خروج می کند.

پس سخن در باب این که مقصود از مهدی مذکور در روایت که فرزند و ذریه ندارد، خود

۲۹. الغیبة للطوسی: ص ۴۷۸.

۳۰. الغیبة للطوسی: ۳۰۹.

امام محمد بن الحسن عسکری علیه السلام است، به سبب مخالفتش با مجموع روایات صحیح و عدم وجود روایت متناقض، سخنی غیر صحیح است و به پنهان دیوار کوبیده می‌شود. و این امر، تعارض موجود را از بین می‌برد و بیان می‌کند که اختلاف موجود، ناشی از فهم سوء روایات می‌باشد؛ زیرا بعضی‌ها متوهم شدند، مقصود از امامی که فرزند و ذریه ندارد، امام مهدی علیه السلام می‌باشد و از آن‌چه که ذکر شد، خلافش را ثابت گرداند و مقصود از آن امام، آخرین مهدیین از ذریه‌ی امام مهدی علیه السلام می‌باشند که بعد از ایشان حکومت‌داری می‌کنند.

پس هیچ روایتی باقی نمی‌ماند که ذریه‌ی امام مهدی علیه السلام را نفی کند و این چنین روایتی که ذریه را اثبات می‌کنند، بدون هیچ تعارض و تناقضی، ماندگار می‌مانند و این گونه نیز اختلاف میان محققان در قضیه‌ی مهدویت که گاه به حکومت‌داری مهدیین از فرزندان امام مهدی علیه السلام بعد از ایشان علیه السلام و گاه به حکومت‌داری و رجعت ائمه معصومین علیهم السلام به زندگی دنیایی، بعد از امام مهدی علیه السلام می‌روند، حل می‌شود.

و راه درست همان راهی است که روایات اهل بیت علیهم السلام تأیید می‌کنند، مبنی بر این که حکم بعد از امام مهدی علیه السلام، از آن دوازده مهدی از ذریه‌ی حضرتش می‌باشد و بعد از حکومت‌داری آن دوازده فرزند، رجعت به وقوع می‌پیوندد و خداوند داناتر و حکیم‌تر است و حمد و منت از آن خداوند است (این کلام، از سخنان سید احمد الحسن علیه السلام مستفاد گردیده است).



روشنگری سوم:

فرزند امام مهدی (علیه السلام)

در مجموعه اخباری که بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) تأکید می‌کنند، تأکید بسیاری بر یکی از فرزندان حضرت و تمایز او از بقیه‌ی ذریه شده و او نخستین ایمان آورندگان به امام مهدی (علیه السلام) و نخستین انصار و اولین مهدیینی است که بعد از امام مهدی (علیه السلام) حکومت‌داری می‌کنند و یکی از نام‌های او "احمد" است. برخی روایات اشاره می‌کنند که او در جهت زمینه سازی برای امام مهدی (علیه السلام) قبل از قیام حضرت و قتل دشمنان آل محمد (علیهم السلام)، قیام می‌کند. و لازم است در بین برخی مقدمه‌ها، مقایسه‌ای ایجاد کنیم تا به نتیجه‌ای مطلوب برسیم که امکان اعتماد بر آن، بدون غیرش میسر گردد.

مقدمه‌ی اول:

نخستین انصار امام مهدی (علیه السلام) از بصره و نامش احمد است:
عن أمير المؤمنين (عليه السلام) في خبر طويل: (... ألا إن أولهم من البصرة وآخرهم من الأبدال).^(۳۱)
امیر المؤمنین (علیه السلام) در خبری طولانی فرمودند: (... اولین آنان از بصره و آخرین آنان از ابدال است).

عن الصادق (عليه السلام) في خبر طويل سمي به أصحاب القائم (عليه السلام): (... ومن البصرة عبد الرحمن بن الأعطف بن سعد وأحمد ومليح وحماد...).^(۳۲)
و امام صادق (علیه السلام) در خبر طولانی که نام اصحاب قائم را ذکر می‌کند، می‌فرماید: (... و از بصره عبد الرحمن بن الأعطف بن سعد و احمد و مليح و حماد...).

۳۱. بشارة الإسلام: ص ۱۴۸.

۳۲. بشارة الإسلام: ص ۱۸۱.

مقدمه دوم:

بعد از امام مهدی (علیه السلام) دوازده فرزند از ذریه‌ی ایشان (علیه السلام) حکومت‌داری می‌کنند که نخستین آنان، سه نام دارد و یکی از نام‌هایش احمد است و روایت بعدی او را اولین ایمان آورندگان، توصیف می‌کند و اولویت او در ایمان مستلزم تصدیق امام مهدی (علیه السلام) و یاری ایشان در آغاز ظهور و قبل از هر کسی، می‌باشد. و الا اگر این فرزند، بعد از قیام امام مهدی (علیه السلام) می‌آمد و نه قبل از آن، همان‌گونه که بعضی‌ها چنین می‌گویند، بر این اساس جمله‌ی نخستین ایمان آورندگان بر او صدق نمی‌کند؛ زیرا در این صورت، قبل از او، تعدادی اندک به خداوند و امام مهدی (علیه السلام) ایمان آورده بودند. و این‌که اساساً سیصد و سیزده نفر یا دوازده تن از نقباء، قبل از قیام قائم موجودند. پس این فرزند باید قبل از قیام امام مهدی (علیه السلام) حضور داشته باشد تا معنای «نخستین ایمان آورندگان به امام مهدی (علیه السلام)» و نخستین انصار، مصداق او گردد.

عن أبي عبد الله (عليه السلام) عن آبائه (عليهم السلام) عن أمير المؤمنين (عليه السلام)، قال: (قال رسول الله ﷺ في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي يا أبا الحسن احضر صحيفة ودواة فأملئ رسول الله ﷺ وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال يا علي انه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً فأنت يا علي أول الإثني عشر إمام، وساق الحديث إلى ان قال وليسلمها الحسن إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد، فذلك اثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد الله واحمد والإسم الثالث المهدي وهو أول المؤمنين). (۳۳)

از امام صادق (علیه السلام) از پدرانش (علیهم السلام) از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: (پیامبر خدا ﷺ در شبی که وفات او بود به علی (علیه السلام) فرمود که یا ابا الحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر خدا ﷺ وصیتش را املاء فرمود تا این‌که به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. و تو یا علی نخستین دوازده امام می‌باشی. و حدیث به درازا کشید تا این‌که فرمود: یا علی تو خلیفه و جانشین من بر اتمم

پاسخ قطعی به منکران فرزندان امام مهدی (علیه السلام) ۳۵

پس از من می باشی، تا آنجا که فرمودند..... و اگر وقت وفات حسن عسکری رسید خلافت را به فرزندش م ح م د، مستحفظ از آل محمد (علیهم السلام) تسلیم کند و ایشان دوازده امام می باشند و سپس دوازده مهدی بعد از او می باشند. پس اگر مرگ به سویش (حجة ابن الحسن) آمد خلافت را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم: عبد الله و احمد و نام سوم مهدی است. و او نخستین ایمان آورندگان (به پدرش) است. و میرزا نوری، صاحب کتاب النجم الثاقب ذکر می کند که سند این حدیث معتبر است و شیخ طوسی در کتاب الغیبة نیز آن را ذکر کرده است.

خبری که قبلاً از سطح کاهن گذشت و در آن بر وجود فرزندی برای امام مهدی (علیه السلام) قبل از قیام حضرتش دلالت می کند: (... فعندها يظهر ابن المهدي (علیه السلام)، (... پس در هنگامه می آن، فرزند مهدی (علیه السلام) ظهور می کند).

عن الإمام الرضا (علیه السلام)، قال: (كأني برایات، من مصر مقبلات، خضر مصبغات، حتی تأتي الشامات، فتؤدی الى ابن صاحب الوصیات). (۳۴)

از امام رضا (علیه السلام): (گویا پرچمهایی که سبز رنگ هستند و از مصر رو می آورند را می بینم، تا این که به شام می رسد و به فرزند صاحب وصیتها داده شود).

و از مقدمه اول و دوم می توانیم این نتیجه را استخراج کنیم که: نخستین انصار امام مهدی (علیه السلام) از بصره و نامش احمد است و از ذریه امام مهدی (علیه السلام) و اولین ایمان آورنده به دعوت مهدی و اولین زمینه سازانی است که اُمت را بعد از وفات امام مهدی (علیه السلام) رهبری می کنند.

عن نعيم بن حماد، عن أمير المؤمنين (علیه السلام): (... يخرج رجل قبل المهدي - من أهل بيته، بالمشرق، ويحمل السيف على عاتقه ثمانية أشهر). (۳۵)

نعيم بن حماد از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: (... مردی قبل از مهدی (علیه السلام) از اهل بیتش در مشرق، خروج می کند و به مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش خود حمل

۳۴. الإرشاد للمفيد: ص ۲۵۰ / بشارة الإسلام: ص ۱۵۸.

۳۵. ما بعد الظهور للسيد الصدر: ص ۴۸۰.

می کند).

و در روایتی، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (ویقبض أموال القائم وبمشی خلفه أصحاب الكهف، وهو الوزير الأيمن للقائم وحاجبه ونائبه ویسقط فی المشرق والمغرب الأمن كرامة الحجة بن الحسن (علیه السلام)).^(۳۶)

(و اموال قائم را دریافت می کند و پشت سر او اصحاب كهف به راه می افتند و او وزیر راست قائم، و وزیر و نائیش است و در مشرق و مغرب امن را گسترش می دهد به برکت حجت ابن الحسن (علیه السلام)).

در بشارة الإسلام به نقل از بحار، آمده است: ابی عبدالله (علیه السلام) (به ابی بصیر) فرمودند: (... یا ابا محمد لیس تری امة محمد فرجاً أبداً مادام لولد بني فلان ملك حتى ينقرض ملكهم فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لأمة محمد برجل منا أهل البيت يسير بالتقى ويعمل بالهدى ولا يأخذ في حكمه الرشا. والله إني لأعرفه باسمه واسم أبيه ثم يأتينا الغليظ القصرة ذو الخال والشامتين القائد العادل الحافظ لما استودع يملأها عدلاً وقسطاً كما ملأها الفجار جوراً وظلماً).^(۳۷)

(... ای ابو محمد! مادامی که بنی عباس بر تخت سلطنت تکیه زده اند، امت محمد (صلی الله علیه و آله) فرج و راحتی ندارند. وقتی که دولت آن ها منقرض گردید، خداوند مردی را که از اهل بیت ماست و برای امت محمد (صلی الله علیه و آله) نگاه داشته ظاهر گرداند تا دستور تقوی دهد و به هدایت رفتار کند و در صدور حکمش رشوه نگیرد. به خدا قسم من او را به اسم خود و پدرش می شناسم. سپس مردی که گردنی قوی دارد و دارای دو خال سیاه است به سوی ما خواهد آمد او قائم عادل و حافظ امانت الهی است، او زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که فاجران آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند).

معنای (از ما اهل بیت) یعنی؛ از ذریه ی امام مهدی (علیه السلام).

و به زودی بیان آن در روشنگری چهارم و پنجم خواهد آمد، ان شاء الله تعالی.



۳۶. إلزام الناصب: ج ۲ ص ۱۵۸.

۳۷. بشارة الإسلام: ص ۱۱۸.

روشنگری چهارم:

هشدار قبل از عذاب

در روایات آمده است که قیام امام مهدی (علیه السلام) عذاب و مصیبتی بر کافران و منحرفان فاسق، کسانی که در آزمایش عصر غیبت کبری شکست خوردند، می باشد. و همچنین در آن هنگامه، در دل امام مهدی (علیه السلام) هیچ رحم و شفقتی نسبت به دشمنان خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله) نیست و چیزی به آنان جز شمشیر و مرگ زیر سایه‌ی شمشیر نمی دهد. برخی روایات، قیام امام مهدی (علیه السلام) را به ساعت (الساعة) و قیامت صغری توصیف می کنند، و از جمله سنت خداوند قبل از عذاب و انتقام ستیزی، وجود هشدار در جهت اقامه و اتمام حجت بر بندگان بوده است. و خداوند می فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾، (و ما تا پیامبری برنینگیزیم به عذاب نمی پردازیم). (۳۸)

و نیز می فرماید: ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾، (در باره کسانی که پیشتر بوده اند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت). (۳۹) و سنت خداوند که در اُمت‌های پیشین، جاری بوده، در مورد اُمت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز جاری می باشد.

رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: (سیکون فی اُمّتی ما کان فی بنی اسرائیل حذو النعل بالنعل وحذو القذة بالقذة)، (در امت من تمام چیزهایی که در بنی اسرائیل رخ داده، اتفاق خواهد افتاد مو به مو و بدون هیچ کم و کاست). (۴۰)

پس باید پیش از وقوع حساب و عذاب و مصیبت بر منحرفان بر اساس سنت جاری الهی، یک هشدار می باشد. و مجموعه روایاتی که بر قیام امام مهدی (علیه السلام) توأم با شدت عذاب و مصیبت و هول و بلاست تا آنجا که خداوند راضی گردد، و در آن هیچ نرم خوئی وجود

۳۸. الاسراء: ۱۵.

۳۹. الاحزاب: ۶۲.

۴۰. رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: (در امت من تمام چیزهایی که در بنی اسرائیل رخ داده، اتفاق خواهد افتاد مو به مو و بدون هیچ کم و کاست). عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج ۱ ص ۲۹۶.

نداشته، دلالت می کند. این روایات در پیش روی شما خواننده‌ی گرامی می باشند:

ذکر القائم عند أبي الحسن الرضا، فقال: (أنتم اليوم أرعى بالأ منكم يومئذ، فقالوا: وكيف؟ قال: لو قد خرج قائمنا (علیه السلام) لم يكن الا العلق والعرق والنوم على السروج).^(۴۱)

ابا الحسن الرضا (علیه السلام) در ذکر قائم (علیه السلام) فرمودند: (شما امروز خیالی آسوده دارید. عرض شد: چگونه؟ فرمودند: چون قائم ما قیام کند، جز مخلوط شدن خون و عرق و خواب بر روی زین‌ها نیست (از فرط خستگی و مبارزه پی در پی)).

عن أبي جعفر (علیه السلام) يقول: (لو يعلم الناس ما يصنع المهدي اذا خرج لأحب أكثرهم أن لا يروه مما يقتل من الناس اما انه لا يبدأ الا بقریش فلا يأخذ منها الا السيف ولا يعطيها الا السيف حتى يقول كثير من الناس ما هذا من آل محمد لو كان من آل محمد (علیه السلام) لرحم).^(۴۲)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: (اگر مردم بدانند که مهدی (علیه السلام) به هنگام خروجش چه می کند؟ اکثرشان دوست بدارند که او را نبینند از کشتاری که از مردم می کند هان که آغاز از قریش خواهد کرد اخذ و عطای او شمشیر باشد تا آنجا که بسیاری از مردم گویند: این از آل محمد (علیه السلام) نیست اگر از آنان می بود رحم می کرد).

می گویم: این احادیث و غیره، تأکید می کنند که امام مهدی (علیه السلام) به مردم چیزی جز شمشیر و مرگ زیر سایه‌ی شمشیر نمی دهد. و این به عین خود، همان عذاب است که طبق سنت الهی، قبل از آن، یک هشدار به عنوان فرصتی دیگر به منحرفین داده می شود.

قال أبو جعفر (علیه السلام): (يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفَ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَلَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ).^(۴۳)

ابو جعفر (علیه السلام) فرمودند: (قائم با امری جدید و کتابی جدید و حکمی جدید قیام می کند و بر عرب بسیار سخت گیر است و در شأن او چیزی جز شمشیر نیست و در امر خدا، سرزنش

۴۱. غيبة للنعماني: ص ۲۹۶.

۴۲. غيبة للنعماني: ص ۲۳۸.

۴۳. غيبة للنعماني: ص ۲۳۸.

هیچ ملامت گری در او اثری ندارد).

أبي عبد الله (عليه السلام) قال: (ما تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ، فَوَاللَّهِ مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْغَلِيظَ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبَ وَمَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ). (۴۴)

ابی عبدالله (علیه السلام) فرمودند: (چرا به فرا رسیدن خروج قائم شتاب می کنید؟ به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خشن نخواهد بود و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نباشد و جز شمشیر [برای دشمنان] چیزی در کار نبوده و مرگ زیر سایه شمشیر خواهد بود).

و روایاتی که بر این معنا تأکید می کنند، در نزد شیعه و اهل سنت، متواتر بوده و بدان اعتقاد دارند. و بدین ترتیب ثابت می شود که قیام امام مهدی (علیه السلام) عذابی سخت و خوارکننده بر منحرفین شکست خورده در امتحان الهی در عصر غیبت کبری می باشد و بیشتر جوامع را تشکیل می دهند، پس برای اقامه‌ی حجت بر اینان، باید فرستاده‌ای به عنوان بشارت‌دهنده و هشدار دهنده به نزدیکی قیام امام مهدی (علیه السلام) ارسال گردد.

و خداوند می فرماید: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾، (پیامبرانی که بشارتگر و هشدار دهنده بودند تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران در مقابل خدا [بمانه و] حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است). (۴۵)

و نیز می فرماید: ﴿أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾، (آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را بیم دهد و تا شما پرهیزگاری کنید و باشد که مورد رحمت قرار گیرید). (۴۶)

و نیز می فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾، (و ما تا پیامبری برنینگیزیم به عذاب نمی پردازیم). (۴۷)



۴۴ غیبة للنعمانی: ص ۲۳۹.

۴۵ النساء: ۱۶۵.

۴۶ الأعراف: ۶۳.

۴۷ الاسراء: ۱۵.

روشنگری پنجم:

مردی قبل از مهدی (علیه السلام) خروج می کند

بعد از این که شنیدنی های روشنگری چهارم را شنیدیم، به مجموعه روایاتی منتقل می شویم که از آمدن زمینه سازان قبل از قیام امام مهدی (علیه السلام) خبر می دهند، که برای فرمانروائی ایشان زمینه سازی می کنند و یاورانی را جهت یاری جمع می کنند و برای مردم بشارت دهنده و بیم دهنده ای می باشند که بعد از این فرستادگان، دیگر حجتی بر مردم باقی نماند و عذر و بهانه ای نیاورند مبنی بر این که اگر هشدار دهنده ای می آمد، آنان ایمان می آورده و یاری اش می کردند:

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾، (و روزی است که ستم کار دست های خود را می گزد [و] می گوید ای کاش با پیامبر راهی بر می گرفتم * ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم * او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فرو گذارنده انسان است). (۴۸)

آری فلان و تو چه می دانی فلان کیست، این امری است که مردم را از پیروی فرستادگان، باز می دارد و ای کاش می دیدی که چگونه در گمراهی و به ضلالت کشیدن مردم، تمکین یافته و نظری در مورد کسی که اطاعت نمی کند، ندارم و یک اشاره برای انسان آزاده کفایت می کند. و بعد از این همه به ذکر برخی روایات می پردازیم که بر آمدن زمینه سازان، قبل از قیام امام مهدی (علیه السلام) دلالت می کنند و لو احیاناً گاهی در متن با هم متفاوتند اما از لحاظ مضمون و محتوا، یک معنا دارند و آن: قیام زمینه ساز یا زمینه سازان قبل از قیام امام مهدی (علیه السلام) می باشد و این در اثبات هدف، کفایت می کند.

سید صدر به نقل از الحاوی اثر سیوطی از نعیم بن حماد از حضرت علی (علیه السلام) نقل می کنند که فرمود: (... إذا بعث السفیانی فحسب بهم فی البیداء ویخرج رجل من قبله - أي الإمام

المهدی - من أهل بیت، بالشرق، ویحمل السیف علی عاتقه ثمانية أشهر).^(۴۹)

(هنگامی که سفیانی (لشکر خود را می فرستد، پس زمین در بیداء آنان را فرو می بلعد... و مردی قبل از او - امام مهدی (علیه السلام) - از اهل بیت در مشرق، خروج کرده و به مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش خود حمل می کند).

حدیث را در قالب امانت داری علمی نقل کردم، و الا در آن تصحیف موجود است. جمله (از اهل بیت) در اصل (از اهل بیتش) بوده و برای تأکید و اطمینان بیشتر به کتاب الملاحم و الفتن اثر سید بن طاووس رحمته الله، و کتاب الممهدون کورانی ص ۱۱۰، مراجعه شود، و سید صدر قُدس سره در خصوص این حدیث گوید: (خبری که از سیوطی روایت کردیم و تصریح می کند، قتل و کشتاری که صورت می گیرد، به دست مردی از جانب مهدی است نه به دست خود مهدی. و اگر این مضمون را با دلالت عامش درک کنیم، صحیح بوده. پس کسانی که به جنگ و قتال بر می خیزند، اصحاب امام هستند نه شخص امام. و اگر به امام، به اعتبار این که بر اساس امر و نقشه‌ی ایشان بوده، نسبت داده شود همان طور که می گوئیم: امیر، شهر را فتح کرد. و دلیلی بر این که امام شخصاً به قتل و کشتار می پردازد، وجود ندارد. و اگر این خبر را به طور دلالت خاص، درک کنیم. بدین معناست که مرد تعیین شده، کسی است که از جانب امام مهدی (علیه السلام) برای قیام در جهت انجام این مأموریت، تعیین شده و شخص امام مهدی (علیه السلام) نیست. پس اگر این احتمال را بدهیم، این احتمال مستلزم تعیین مسؤل برای انجام آن است، و شاید ایشان مردی را مسؤل قتل و کشتار منحرفین تعیین کند، و به سبب عدم قابلیت این خبر در اثبات تاریخی، مضمون دیگری جز این را ثابت نمی کند).^(۵۰)

می گوئیم: بعد از ملاحظه روایت بعدی و تدبر در آن، چه بسا دلالت خاص را برای این خبر ثابت کند. پس آن بر یک معنا دلالت می کند و آن معنا: مرد یا مردانی قبل از قیام امام مهدی (علیه السلام) برای قتل عام منحرفان؛ در جهت زمینه سازی برای یاری امام مهدی (علیه السلام) خروج می کنند و با خبری که سید صدر قُدس سره در خصوص تقویت دلالت تاریخی آن ذکر کرده همخوانی دارد. و شهید سید صدر قُدس سره در موضعی دیگر به این معنا، اشاره کرده: (... در

۴۹. ما بعد الظهور: ص ۴۰۸.

۵۰. ما بعد الظهور: ص ۴۱۱.

هر حالت _ امام مهدی (علیه السلام) _ می تواند در صورت نیاز، عملاً قیام کند چه شخصاً قیام کند یا بواسطه‌ی خاصان. به شکلی که بتواند بین شر و وقوع آن تحوّل ایجاد کند).^(۵۱)

و سید صدر قُدْرَتُ هم‌چنین به وجود بسیاری از مخلصان اشاره می‌کند که در غیبت کبری با امام ملاقات دارند: (... در عالم _ طبق تصویری که در خصوص مهدی (علیه السلام) دارم _ تعداد بسیاری از مردم، شخص مهدی را می‌شناسند و برای شناخت خود نسبت به ایشان، نیازی به اقامه‌ی معجزه نیست؛ زیرا ایشان را در خلال غیبتش، یک یا چند بار دیده‌اند، و همه‌ی آنان افراد درجه یک در اخلاص و برخی هم افراد درجه دو مخلصان می‌باشند... و آنان واسطه‌ی حضرتش به سوی مردم _ به شکل دیگر _ از خلال غیبت هستند و آنان خود بازتابانندگان حق و عدالت و زبان ناطق و شمشیر بُرنده در بین دستان فرمانده‌شان مهدی (علیه السلام) خواهند بود. پس ممکن است _ با چشم پوشی بر هر چیز دیگر _ آنان، شاهدان صادق در معرفی رهبرشان به مردم باشند. چه بسا که از مجموع اعمال و گفتار راستین و بزرگی اهدافشان و همراهانشان، ثابت گردد و دیگر نیازی به اقامه‌ی معجزه ندارند).^(۵۲)

در بشارة الإسلام به نقل از بحار، از ابی بصیر از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمودند: (... لیس تری امة محمد فرجاً أبداً مادام لولد بني فلان ملك حتى ينقرض ملكهم فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لأمة محمد برجل منا أهل البيت يسير بالتقى ويعمل بالهدى ولا يأخذ في حكمه الرشا؛ والله إني لأعرفه باسمه واسم أبيه ثم يأتينا الغليظ القصرة ذو الخال والشامتين القائد العادل الحافظ لما استودع بمأها عدلاً وقسطاً كما ملأها الفجار جوراً وظلماً).^(۵۳)

(... هیچ وقت امت محمد فرجی نبیند، هرگز، تا وقتی که ملک در دست فرزندان بنی فلان است تا آن وقت که ملکشان نابود شود پس هرگاه ملکشان منقرض شد خداوند برای امت محمد راه باز می‌کند که مردی از ما اهل بیت به تقوی راه ببیماید و به هدایت عمل کند و در حکمش رشوه‌ای نگیرد به خدا قسم که او را می‌شناسم به اسمش و اسم پدرش سپس

۵۱. الغيبة الكبرى: ص ۱۵۲.

۵۲. ما بعد الظهور: ص ۲۳۴.

۵۳. بشارة الإسلام: ۱۱۸.

پاسخ قطعی به منکران فرزندان امام مهدی (علیه السلام) ۴۳

می‌آید آن چهارشانه صاحب خال و دو علامت، رهبر عادل، آن امانت نگهدار که زمین را پر از عدل می‌کند هم‌چنان که فاجرین و بدکاران آن را پر از ظلم و ستم کرده‌اند).

عن ثوبان أنه قال: قال رسول الله ﷺ: (إذا رأيتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان فأتوها ولو حبواً على الثلج، فإن فيها خليفة المهدي). (۵۴)

ثوبان گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: (موقعی که دیدید پرچم‌های سیاه از طرف خراسان خارج شدند خود را به آن‌ها برسانید حتی اگر با دست و سینه بر روی برف بروید، چون که در آن خلیفه مهدی است).

و مقصود از خلیفه ی مهدی در روایت قبلی، یعنی وصی ایشان که بعد از حضرت، حکم را به دست می‌گیرد و این امر، بر مهدی اول که بعد از امام مهدی (علیه السلام) حکومت می‌کند و یکی از نام‌هایش احمد است منطبق است همان‌گونه که روایات چنین توصیف کردند، و الله اعلم.

عن علي بن الحسين: (... ثم يخرج السفیانی من الوادي اليابس، وهو من ولد عتبة بن أبي سفیان، فإذا ظهر السفیانی اختفی المهدي، ثم يخرج من بعد ذلك). (۵۵)

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: (... سپس سفیانی ملعون از سرزمین خشک خروج می‌کند و او از فرزند عتبه بن ابی سفیان می‌باشد، پس هنگامی که سفیانی خروج کند، مهدی مخفی می‌گردد و سپس بعد از آن خروج می‌کند).

و (فتنه) نکته‌ی مهم، بر خواننده پوشیده نیست؛ حدیثی که شیخ طوسی استخراج کرده، از طریق اهل بیت (علیهم السلام) ثابت شده و متواتر بوده که سفیانی قبل از امام مهدی (علیه السلام) خروج می‌کند و مدت حکومت او شش ماه یا هشت ماه است، سپس امام در هنگام قیام خویش، او را به قتل می‌رساند.

اما این حدیث، تصریح می‌کند که مهدی پیش از ظهور سفیانی، ظهور کرده و در هنگام ظهور سفیانی، مخفی می‌شود و بعد از آن ظهور می‌کند.

۵۴. بشارة الإسلام: ص ۲۳۶.

۵۵. الغیبة: ص ۲۹۴.

و راه خروج از این تعارض، همان‌طور که در سابق تقدیم شد این است که او، نخستین مهدیین و اولین مقریین می‌باشد همان‌طور که برخی روایات صحیح بدان اشاره کردند و به خصوص وصیت رسول الله محمد ﷺ به علی (علیه السلام) و شیخ طوسی در الغیبة ص ۱۰۷، و میرزا نوری در النجم الثاقب ج ۲ که میرزا نوری و شهید سید صدر قُتْرَشْ در تاریخ ما بعد الظهور ص ۶۴۰-۶۵۰ به صحت سند آن، اعتراف می‌کنند. و هیچ روایتی پیدا نمی‌شود که وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) را نفی کند. پس باید اولین مهدیین، فرزند امام مهدی (علیه السلام) و قبل از قیام امام (علیه السلام) به دنیا آمده باشد و او کسی است که برای امام (علیه السلام) زمینه سازی می‌کند و به خصوص این که اگر به آنچه که روایت "مهدیین دوازده گانه" بدان اشاره داشته، توجه کنیم. مبنی بر این که نام اولین آنان، احمد و نخستین ایمان‌آوردگان می‌باشد. در ظاهر او اولین ایمان‌آوردگان در تصدیق دعوت و نصرت امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد و هم‌چنین اگر به روایاتی که خروج مردی قبل از مهدی را ذکر می‌کنند، توجه کنیم، آن هنگام که چنین توصیف می‌کنند: (أُتِاحَ اللهُ لَأَمَةِ مُحَمَّدٍ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ)، (خداوند برای امت محمد راه باز می‌کند که مردی از ما اهل بیت)، یعنی از (از اهل بیت مهدی (علیه السلام) و همه‌ی این امور، بر خروج مردی قبل از امام مهدی (علیه السلام) و از ذریه‌ی ایشان، دلالت می‌کنند، در صورتی که در مورد آن، از هرگونه تأویل اجتناب کنیم و به سوی تأویل نمی‌رویم مگر در صورت ضرورت و در این مورد، ضرورتی دیده نمی‌شود.

و سید صدر قُتْرَشْ در تاریخ ما بعد الظهور به این معنا، اشاره می‌کند: (آری برخی از اخبار بدان پاسخ دادند، یکی از آن‌ها گوید: (همانا از ما بعد از قائم دوازده مهدی هستند). و از فرموده‌ی ایشان "از ما" به طور اجمالی؛ یعنی، از نسل اهل بیت (علیهم السلام). و خبر دیگر می‌گوید: (به فرزندش اولین مهدیین تسلیم کند) و دال بر این است که نخستین ولی، فرزند مهدی (علیه السلام) می‌باشد و اولیای بعد از او را ذکر نمی‌کند. و یکی از دعاها، می‌گوید: (والیان عهد تو و ائمه از فرزندت). پس اگر تمام این اخبار قابل اثبات را معتبر شماریم، درک مستقلی می‌یابیم که مقصود از این اولیاء، از نسل اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشند و مُراد از اهل بیت (علیهم السلام)، در زبان اخبار، جز ائمه‌ی معصومین نمی‌تواند باشد. جایی که احتمال نمی‌رود از نسل امامی غیر از امام مهدی (علیه السلام) به اعتبار بُعد زمانی، باشند. پس آنان از فرزندان شخص امام مهدی (علیه السلام) می‌باشند و این

فرض بسیار واضحی است که با برخی روایات دیگر که با هم اختلافی ندارند، همخوانی دارد). (۵۶)

سید بن طاووس به نقل از نعیم بن حماد چنین روایت می‌کند: (... یملک رجل من بني هاشم فيقتل بني أمية حتى لا يبقى منهم إلا اليسير، لا يقتل غيرهم، ثم يخرج رجل من بني أمية يقتل بكل رجل اثنين حتى لا يبقى إلا النساء، ثم يخرج المهدي عليه أفضل الصلاة والسلام وعجل الله فرجه). (۵۷)

(... مردی از بنی هاشم به سر کار می‌آید، پس بنی امیه را به قتل می‌رساند و جز تعداد اندک، از آنان را باقی نمی‌گذارد و غیرشان را نمی‌کشد. سپس مردی از بنی امیه خروج می‌کند که دو به دو، مردان را به قتل می‌رساند و جز زنان را باقی نمی‌گذارد، سپس مهدی که برترین سلام و درودها بر او باد و فرجش تعجیل یابد، خروج می‌کند).

و هم‌چنین سید ابن طاووس از نعیم بن حماد نقل می‌کند: (ثم يملك رجل أسمر يملؤها عدلاً ثم يسير إلى المهدي فيؤدي إليه الطاعة ويقاتل عنه). (۵۸)

(پس از آن، مرد گندم‌گونی، مالک می‌شود و زمین را پر از عدل می‌نماید و بعد از آن به سوی مهدی می‌رود و مطیع او شده از طرف او جنگ می‌کند).

جعفر محمد بن علی (علیه السلام) قال: (يخرج شاب من بني هاشم، بكفه اليمنى خال، من خراسان؛ برایات سود بین یدیه شعیب بن صالح یقاتل اصحاب السفیانی فیهزهم)، (۵۹)

ابی جعفر (علیه السلام) فرمودند: (جوانی از بنی هاشم از سوی خراسان با درفش‌های سیاه، خروج می‌کند که در دست راست او «خال» و نشانه‌ای قرار دارد که شعیب بن صالح به همراه اوست، و با اصحاب سفیانی به جنگ بر می‌خیزند و آنان را شکست می‌دهند).

عن الإمام الباقر (علیه السلام) انه قال: (تنزل الرايات السود التي تقبل من خراسان الكوفة فإذا ظهر

۵۶. ما بعد الظهور: ص ۶۵۰.

۵۷. الملاحم و الفتن: ص ۴۳.

۵۸. ملاحم و الفتن: ص ۳۹.

۵۹. ملاحم و الفتن: ص ۳۸.

المهدي بمكة بعث بالبيعة إلى المهدي).^(۶۰)

امام باقر علیه السلام فرمود: (پرچم‌های سیاهی که از خراسان خارج می‌شوند به کوفه وارد خواهند شد، چون مهدی علیه السلام در مکه ظاهر شد، جهت گرفتن بیعت به مهدی می‌فرستد).

قال رسول الله ﷺ (تخرج من المشرق رايات سود لبني العباس، ثم يمكثون ما شاء الله، ثم تخرج رايات سود صغار تقاتل رجل من ولد أبي سفيان وأصحابه من قبل المشرق ويؤدون الطاعة للمهدي).^(۶۱)

رسول خدا ﷺ فرمودند: (پرچم‌های سیاهی از مشرق از سوی «بنی العباس» خارج می‌شوند و تا آن موقعی که خدا بخواهد خواهد ماند، سپس بعد از آن پرچم‌های سیاه دیگری نیز که آن پرچم‌ها هم سیاه است ولی کوچک است قیام می‌کنند و با مردی از فرزندان ابو سفيان و یاران او می‌جنگند، و قیامشان نیز از مشرق زمین است. و سر انجام تسلیم مهدی می‌شوند و زمام کار (و حکومت) خود را به دست آن حضرت می‌سپارند).

و دیگر روایات بسیار، که به دلیل اختصار از ذکر آنها چشم پوشی کردیم و همه آنها بر یک معنا دلالت کرده و جمع می‌شوند و آن خروج مرد یا مردانی قبل از امام مهدی علیه السلام جهت زمینه سازی برای امام و یاری ایشان علیه السلام است. و با چشم پوشی بر همه چیز، امکان بی اطلاعی و سبک شماری نسبت به آنها و اعراض و رویگردانی از آنها، وجود ندارد، چرا که در مورد سرگذشت امت اسلامی بلکه بشریت و کسب تکلیف مسلمان سخن می‌گوید. پس به عین اعتبار، حائز اهمیت می‌باشد و لو حد اقل از باب دفع ضرر احتمالی.

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾.

(و هر که در این [دنیا] کور[دل] باشد در آخرت [هم] کور[دل] و گمراهتر خواهد

بود).^(۶۲)



۶۰. الملاحم و الفتن: ص ۴۰.

۶۱. الملاحم و الفتن: ص ۴۰.

۶۲. الإسراء: ۷۲.

روشنگری ششم:

انقلاب گر مشرق

اخبار بسیاری از ائمه علیهم السلام در خصوص ظهور زمینه‌سازان برای امام مهدی علیه السلام تأکید کردند و همچنین بر ضرورت یاری و نصرت این زمینه‌سازان، و لو با خزیدن بر روی برف‌ها و حرمت سرپیچی و دشمنی با ایشان تأکید می‌کنند تا آنجا که یکی از توصیفشان، یمانی می‌باشد که شخص رویگردان از او، از اهل آتش است و یمانی به سوی حق - امام مهدی علیه السلام - دعوت می‌کند و اخبار بر صاحب درفش‌های سیاه یا درفش‌های خراسانی تمرکز کرده و یکی از روایات، او را خلیفه‌ی مهدی توصیف می‌کند و ذکر این روایت در روشنگری پنجم به میان آمد. (مراجعه شود).

و امیر المؤمنین علیه السلام او را قیام‌گر مشرق توصیف کرده و این‌که بر اساس راه و روش رسول الله صلی الله علیه و آله حرکت می‌کند و مردم را از کوری جهالت و گمراهی نجات می‌دهد و پیروی و تبعیت از او، رنج طلب امام مهدی علیه السلام را به پایان می‌رساند؛ زیرا او کسی است که برای امام مهدی علیه السلام بیعت گرفته و پرچم را به دست حضرتش می‌سپارد.

عن مسعدة بن صدقة، قال: (سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد - علیه السلام - يقول: (خطب الناس أمير المؤمنين علیه السلام - بالكوفة - فحمد الله وأثنى عليه... إلى قوله: (واعلموا أنكم إن أطعتم طالع المشرق سلك بكم منهاج رسول الله صلی الله علیه و آله، فتداوitem من الصمم، واستشفيتم من البكم، وكفيتم مؤنة التعسف والطلب، ونبذتم الثقل الفادح عن الأعناق. فلا يبعد الله إلا من أبي الرحمة، وفارق العصمة، "وسيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون"). (۶۳)

از مسعده گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: امیر المؤمنان علیه السلام خطبه‌ای در کوفه، فرمود: (... و بدانید اگر شما از انقلاب گر مشرق پیروی کنید، او شما را به راه و روش پیامبر راهنمایی می‌کند و از بیماری کری و کوری و گنگی رهایی می‌بخشد، تا از رنج طلب و ظلم آسوده شوید و بار سنگین را از شانهایتان بر زمین نهد، خداوند از درگاه خود نراند جز آن

کس را که تسلیم حق نباشد و ظلم و ستم پیشه کند و آنچه را که حق او نیست برگیرد." و کسانی که ظلم کردند به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه خواهند برگشت).

در دعای ندبه برای امام مهدی (علیه السلام) چنین آمده است: (وَصِلْ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصْلَةَ تَوْدِي إِلَى مِرَافِقَةِ سَلْفِهِ، وَتَجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحِجْرَتِهِمْ، وَيَمُكِّثُ فِي ظِلِّهِمْ).^(۶۴)

(خداوندا بین ما و او را پیوند ده، پیوندی که ما را با سلفش (بعد او) همراه کند و ما را از کسانی قرار ده که جنگ به دامان آنها بگذارد و در سایه‌اشان زندگی کند).

پس در واضح‌ترین بیان‌ها؛ (صله، پیوند) یعنی اتصال به امام مهدی (علیه السلام) از طریق یکی از مهدیین، کسانی که ائمه (علیهم السلام) در اخبار صادره از ایشان (علیهم السلام) به ما وعده دادند و آنان را به عنوان اهل بیت خویش، توصیف کردند و هم‌چنین خداوند متعال در قرآن کریم، ایشان را صاحبان قدرت و سخت انتقام گیرنده، توصیف کرده است: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾، (و در کتاب آسمانی [شان] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست * پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو در آیند و این تهدید تحقق یافتنی است * پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم).^(۶۵)

عن أبي عبد الله (عليه السلام) في قوله تعالى: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ قال: قتل علي بن أبي طالب (عليه السلام) وطعن الحسن (عليه السلام)، ﴿وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ قال: قتل الحسين (عليه السلام)، ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ فإذا جاء نصر دم الحسين (عليه السلام) ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ﴾ قوم يبعثهم الله قبل خروج القائم (عليه السلام)، فلا يدعون وتراً

۶۴. مفاتیح الجنان: ص ۶۱۳.

۶۵. الاسراء: ۴-۶.

لآل محمد إلا قتلوه، ﴿وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا﴾ خروج القائم (علیه السلام). (۶۶)

امام صادق (علیه السلام) درباره فرموده خداوند متعال: (و بر بنی اسرائیل در کتاب مقرر داشتیم که در زمین دو بار فساد خواهید کرد)، فرمود: کشتن امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) و طعنه زدن به امام حسن (علیه السلام) است. (و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی بر خواهید خاست)، کشتن امام حسین (علیه السلام) است. (پس زمانی که وعده ی اول آن دو فرا رسد)، یعنی زمانی که پیروزی خونخواهان حسین (علیه السلام) برسد، (بندگانی از خود که سخت نیرومند هستند بر شما مبعوث می کنیم، پس در خانه ها به تجسس در آیند)، آن ها گروهی هستند که خداوند آن ها را قبل از خروج قائم (علیه السلام) مبعوث می کند. پس خونریزی (و مسئول خونریزی) از آل محمد به جای نگذارند مگر آن که او را بکشند. و آن وعده ای انجام شدنی است، یعنی خروج قائم (علیه السلام).

پس این مردان نیرومندی که قبل از قیام قائم (علیه السلام) ظهور کرده و انتقام امام حسین (علیه السلام) را می ستانند، باید پیش از این با امام مهدی در ارتباط باشند تا فعل و کارشان به ایشان (علیه السلام) نسبت داده شود؛ زیرا مهدی انتقام خون حسین (علیه السلام) را می گیرد، چه خود به شخصه و چه بواسطه ی انصار و یاران شان. و همچنین اشاره ای به مهدیین یا دعوت کنندگان به سوی آل محمد (علیهم السلام) در دعای شریف عهد، اشاره شده است: (اللهم إن حال بیني وبينه الموت الذي جعلته علی عبادك حتماً مقضياً فأخرجني من قبري مؤتراً كفني شاهراً سيفي مجرداً قناتي ملبياً دعوة الداعي في الحاضر و البادي). (۶۷)

(پروردگارا اگر میان من و او، مرگی که تو بر تمام بندگان قضا ی حتمی قرار داده ای، جدایی افکنند، پس مرا از قبر بر انگیز در حالی که کفنم را ازار خود کرده و شمشیرم را از نیام بر کشیده و لبیک گویان دعوتش را که بر تمام مردم شهر و دیار عالم لازم الاجابه است، اجابت کنم).

پس بعد از شنیدن روایات متعددی که بر وجود دعوت کنندگان و مهدیین برای امام مهدی (علیه السلام) قبل از قیام حضرتش، در دعای شریف اشاره شده است: ممکن است این دعوت کننده (ملبياً دعوة الداعي)، یکی از مهدیین باشد که به سوی آل محمد (علیهم السلام)، یعنی امام مهدی

۶۶. کتاب القرآن يتحدث عن الامام المهدي: ص ۴۶.

۶۷. مفاتيح الجنان: ص ۶۱۵.

(علیه السلام) دعوت کرده و خواهان بازشناسی فراخوانی از دعوتی که دارای عناوین شخصی بوده، و نتیجه‌اش تنها تفرقه افکنی و شقه شقه کردن اجتماع به طایفه‌ها گردیده، که یکدیگر را لعن و نفرین می‌کنند و هر کس بر اساس مصلحت خود عمل می‌کند، همان‌طور که این شرح حال زندگانی شده است.

و برخی اخبار، به این مضمون اشاره می‌کنند:

عمار بن یاسر گوید: (... و اهل غرب به سوی مصر خروج می‌کنند و چون در آن در آیند، پس آن امارت سفیانی است و قبل از آن مردی خروج می‌کند که به سوی آل محمد (علیه السلام) دعوت می‌کند).^(۶۸)

و همچنین عمار بن یاسر گوید: (دعوت اهل بیت پیامبرتان در آخر الزمان است ملازم خانه‌های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه کنید تا این که رهبر قیام را ببینید).^(۶۹)

و دیگر اخبار بسیار که در مقدمه‌ی این بحث ذکر شد و آنچه که از ذکرش چشم پوشی کردیم و همه‌ی این امور بر اجابت و یاری این دعوت کنندگان به سوی آل محمد (علیه السلام) قبل از قیام قائم و لو با خزیدن بر برف‌ها و عدم سرپیچی از آنان و دشمن ستیزی با آنان تأکید و حرص می‌ورزد، و به احتمال بسیار، مقصود از اجابت کننده (لیک گویان دعوت دعوت کننده)، کسی است که دعوت کننده به سوی آل محمد (علیه السلام) یا زمینه‌ساز امام مهدی (علیه السلام) را اجابت کند و اگر اندکی کوتاه آییم، می‌گوییم؛ آن یک احتمال است و امکان استدلال بر خلافش، وجود ندارد؛ زیرا اگر احتمال به میان آید، استدلال باطل می‌شود و بر ماست که از هر لحاظ، جانب احتیاط را برگزیم تا در باتلاق و ورطه‌ی دشمنی با اهل بیت عصمت (علیهم السلام) در حالی که خود ندانسته وارد آن می‌شویم، قرار نگیریم. بدین سبب که امیر المؤمنین (علیه السلام) به کمیل بن زیاد می‌فرماید: (... ای کمیل در دینت، جانب احتیاط را بگیر).^(۷۰)

تا این که در هنگام ظهور امر امام مهدی (علیه السلام)، در قالب شبهه، دچار سرگردانی نشویم که

۶۸. الغیبة للطوسی: ص ۲۰۲.

۶۹. الغیبة للطوسی: ۲۹۲.

۷۰. میزان الحکمة: ج ۱ ص ۷۰۶.

پاسخ قطعی به منکران فرزندان امام مهدی علیه السلام ۵۱

از ائمه علیهم السلام روایت شده که فرمودند: (امرش در شبهه ظاهر می شود تا این که آشکار گردد).^(۷۱) و (امر ما در یک چشم بر هم زدن است).^(۷۲) پس بر حذر و با ورع باشید.

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين الميامین و سلم

تسليماً

شیخ ناظم عقیلی

۲۴/جمادی الثانی/ ۱۴۲۵ هـ.ق

۷۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳.

۷۲. الزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب: ج ۱ ص ۴۰۸.

فهرست

اهداء ۵

مقدمه ۷

ادله بر وجود ذریه برای امام مهدی (علیه السلام) ۱۰

روشنگری اول ۲۴

ذریه امام مهدی (علیه السلام) ۲۴

روشنگری دوم ۲۹

روایات ذریه، در تعارض نیستند ۲۹

روشنگری سوم ۳۳

روشنگری چهارم ۳۷

روشنگری پنجم ۴۰

روشنگری ششم ۴۷